



در امریکانه
\$1.50

هفته نامه مردم افغانستان

شماره اول / سال بیست و نهم / ۲ ثور ۱۳۹۹ / ۲۱ اپریل ۲۰۲۰ / شماره مسلسل ۱۰۶۹

زهر خند

مرا نقش بسته به لب زهر خند به سان بریده سرگوسپند
چو بر روی آتش نهندش همی سپدی دندان نماید همی

افغان مینی مارکیٹ عرضه کنندہ
انواع مواد خوراکی و طبی

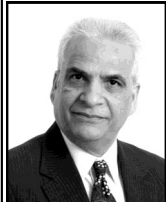
یگانہ مغازہ افغانی
در منطقه واشنگتن بزرگ

که تازه ترین مواد خوراکی، میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، و گوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند

6566 Backlick Rd. Springfield, VA
22150
Tel: 703-644-0186 Cell: 703-499-3313

بیمه استیٹ فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR,
STATE FARM IS THERE.®



For your insurance and financial needs, see State Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

ماری خلیلی، افضل ناصری

خانه، موتر، صحت



به سان داغ ولکه سرخ شیطانسی بصورت ابدی نقش بسته
وهیچگاهی از جبین آن وطنفروشان بی مروت زدودنی نیست.

در آنروز دختران پاکنهاد ومیهن دوست لیسه رابعه بلخی
مظاهرات شکوهمندی را در برابر کارملی ها و باداران روس شان
در کارته چهاربرگزار کردند و با شعارهای ملی ومیهنی ودینی
بر حکومت دست نشانده روس وخودروسهای متجاوز تاختند.

تاجاییکه بعدها آشکار شد، این ناجوانان کارملی بودند که بر روی
خواهران خویش آتش کشودند، عده از آن سروقدان با ایمان را
شدیدا زخمی ساختند و دودوشیزه وطندوست و باورمند به عقاید
ملی ودینی رابه گلوله های آتشین به شهادت رساندند. ارواح آن
دودختر لایق ورعنا در ذیل رحمت الهی همیشه شاداست، و
روانهای خبیث ناجوانان کارملی در این جهان و آن جهان بالعنت
ونفرین همگان ناشاد.

شهادی گلگون کفن لیسه رابعه بلخی دوشیزه وجیهه خالقی
ودوشیزه ناهید صاعده هستند که هر دو چهل سال پیش به رحمت
حق شتافتند. درود حضرت حق و پیامبر بر حق به روانهای پاکیزه
هر دو باد. این جریده در بیستیم و سییمین سالگرد آن دختران
نامدار مبارزین مطالب درخور مقام والای شان انتشار داده است.
اینک در چهلمین سالروز شهادت ناهید شهید وجیهه شهید با نشر
درود بر روانهای شان، به بازماندگان وهم صنفان ودوستان شان
صمیمانه تسلیت میگویم.

نگارش ذیل را که خواهر عزیزم بریره کوشان وصال به یاد
ودرفراق همصنفی عزیزش وجیهه شهید به قلم آورده، تقدیم می



داریم. (اداره)

شهید وجیهه خالقی

وجیهه خالقی شهید دوست وهم صنقیم بود وجیهه جان
خالقی از صنف هفتم تا ختم صنف نهم در لیسه عالی رابعه بلخی
همصنفی و پهلوفیل من شد که بزودی باهم بسیار صمیمی و
دوست های نزدیک شدیم. خاطرات بسیار بسیار خوب و ماندگار و
فراموش ناشدنی اش برایم جاودانی است. وجیهه یک دختر فوق
العاده و بینظیر بود و کرکتر بسیار عالی و بلند داشت، مؤدب،
باتمکین و باوقار و به شعر وادب و موسیقی علاقه داشت با ظرافت
وشوخی های خاص خودش دوستداشتی بود.

از بسیاری جهات باهم همنظر و موافق بودیم اوقات تفریح
و با بعضی ساعت های بیکاری باهم در باره شعر و موسیقی صحبت
میکردیم. کتابچه ای داشت که اشعار ناب را انتخاب کرده و بقلم و
خط مقبول خود نوشته بود، باهم میخواندیم، به آواز و هنر مرحوم
احمد ظاهر علاقه بسیار داشت اکثر اشعار انتخابی اش (صفحه هشتم)

بریره کوشان وصال
نورد راین، المان

به یاد شهید وجیهه خالقی

حوادث تلخ وجانگداز روز سیاه نهم ثور ۱۳۵۹ در کابل
برپیشانی بچه کارملی ها و بچه نانجیب ها و چوچه نانجیب ها

وی گفت که در عصر شاه شجاع یکنفر مداری از هند به
کابل آمده و به نمایشات در نقاط پرازدحام شهر پرداخت و چون
داستان مهارت او به سمع شاه رسید امر کرد تا او را برای هنرنمایی
به دربار حاضر کنند. هنگامیکه مداری حاضر شد شاه مشاهده
کرد که وی مردی سیاه سوخته، ژولیده مو کوچک اندام یعنی به
تمام معنی خالی از حیثیت و اعتبار یکنفر هنرمند بود و از اسباب
کار هم بجز از یک شاخ کهنه آهو یا بز جزیی با خود نداشت! شاه
بابی اعتنایی به او امر کرد که به عرضه کردن متاعش آغاز کند،
مداری تعظیمی کرد و سپس از دست یکی از عمله دربار دستمالش
را گرفت و در حالیکه کلمه حق را به صدای بلند بر زبان راند
دستمال رابه دهن شاخ نزدیک کرد و دستمال در سوراخ شاخ کهنه
فرورفت و مفقود شد!

حاضرین کمی متعجب شدند امامدای دستش رادراز کرده
چوب فلکه فراش را از دستش گرفت و با نعره حق آنرا هم
در حلقوم شاخ فرو برد، اینبار حاضرین بشمول شاه در حیرت
فرورفتند زیرا طول چوب نسبت به درازی شاخ چندین برابر بود.
یکنفر از منشیان قلمدانش را پیش کرد آنهم در شکم شاخ جا گرفت.
بعدها حاضرین یکی بردیگری سبقت جسته از قوطی نصورانقره
و طلا گرفته تا جبه و دستار و کفش و کلاه از هر جنس و به هر بزرگی
اشیارا به او سپردند و او همه را در بطن شاخ جاداد!

پس از آن که دیگر چیزی در نزد عمله دربار باقی نماند،
مداری عرض کرد که آیا کدام چیز دیگری در دسترس است؟ شاه
به تمسخر گفت تنها همین شال سر و جلیقه من باقیست که جدم
احمد شاه از هند با خود آورده بود، اما گمان نمی کنم که اینها در آن
شاخ مفلوک بگنجد. مداری گفت اجازه بدهید که یکبار آزمایش
کنم، شاه شال و جلیقه رابه اوداد که آن هم در شکم شاخ فرورفت.
شاه که از مشاهده این امر یک اندازه احساس خفت میکرد حالا
باقهر و غضب به مداری گفت بس است! حالانام اشیا رابه مالکان
آن اعاده کن. مداری سرش رابه شاخ نزدیک نموده کلمه حق رابه
صدای بلندتر از سابق بزبان آورد و بلافاصله خودش هم در داخل
شاخ مفقود شد!!!

شاه امر کرد که شاخ را که اکنون بزمین افتاده بود بلند
کنند و داخل آنرا جستجو نمایند، هر چه کوشیدند چیزی در آن
نیافتند، همان یک شاخ کهنه و فرسوده بود که در داخل آن نه هیچ
یک ازین اشیا وجود داشت و نه میتوانست وجود داشته باشد. شاه
از شدت قهر امر کرد که شاخ رابا گرز درهم شکنند و خرد و میده
کنند، این کار را هم کردند اما از مداری و آنچه اموال اثری پیدا
نشد و هنوز هم معلوم نیست! >>

رحیم الله خان در اخیر علاوه کرد که عبدالمجید خان
در عصر ماعین همان شکاری را انجام داد که مداری مذکور
در عصر شاه شجاع اجرا کرده بود، لهذا کسی او را درین دیار
نخواهد دید!

هر چند این پیش بینی رحیم الله خان در آن وقت مصداق
پیدا نکرد زیرا عبدالمجید خان در پایان جنگ دوباره به افغانستان
آمد و بسا جبه و دستار دیگر را در حلقوم شاخ کهنه فرو برد، اما
در پایان کار پیش از اینکه مصائب کودتا های داؤد خان و خالقی ها
به کشور وارد آید، با قسمت بزرگ سرمایه هنگفتش به خارج رفت
و بانک ملی را بحیث یک شاخ میان خالی برای حریفان در میدان
گذاشت!

(اداره: اگر خوانندگان عزیز امثال معاصر از شکارهای
چنین مداری ها داشته باشند، لطفا داستانش رابه اداره امید برای
چاپ بفرستند. اگر نمونه خواسته باشند جناب وزیر مالی که جندی
پیش خود را موقوف ساخت و ظاهرا به خارج کشور تشریف برده
باشند (!!!) /

برگی از خاطرات شادروان فرهنگ

دفتر خاطرات مورخ و پژوهشگر بزرگ میر محمد صدیق
فرهنگ، نویسنده نامدار و از مبارزین مشروطه و از بنیانگذاران حزب
بافتحاروطن، در کنار مبارز نستوه و مورخ شهر شادروان میر غلام
محمد غبار و دیگر همسنگران شان در نهضت مشروطه خواهی،
خاطرات سیاسی واجتماعی خویش را در کتاب مستطاب شان
گرد آورده اند.

با تحاف دعابه روح آن پژوهشگردانشمند بزرگ و
در سالگرد وفات شان، از جمله خاطرات سیاسی آمیخته باطنز آن
شادروان یکی هم حکایت ذیل است، که در صفحات ۱۵۸-۱۶۱ درج
است و بنا بر لطافت آن در اینجا نقل می کنیم:

... «کمسیونی که از جانب مجلس ورزا برای مطالعه قانون
مامورین (دافغانستان بانک) تعیین شده بود، همکار شدیم زیرا من
و غلام حید خان مختار زاده از جانب بانک ملی به آن کمسیون معرفی
شده بودیم در حالیکه مجلس وزرا عبدالحسین خان و رحیم الله خان
وزیر پست و تلگراف تعیین شده بودند و عضو دیگر آن حبیب الله
خان رئیس دافغانستان بانک یک شخص کاملاً پاسیف بود. درین
کمسیون که کار آن چندماه بطور انجامید، من برای بار اول موفق
شدم دو نفر از وزرا را از نزدیک مطالعه کنم، ایندو نفر که از جمله
وزرای فعال و برجسته کابینه میرفتند از نظر شخصیت و سنجیه
در دو قطب کاملاً مخالف قرار داشتند.

عبدالحسین خان که درین وقت شور و شعف جوانی را برای
آزادی و مشروطه از دست داده بود، مردی بود شمرده، محتاط
و محافظه کار. از اوضاع چنان معلوم میشد که از سر نوشت رفیقانش
که از چند سال به اینطرف در زندان ارگ بسر می بردند عبرت کامل
گرفته و بهیچ صورت حاضر نیست خودش رابه آن گرفتار سازد.
با وصف آن یک نکته او را بر همقطارانش در کابینه و سایر رجال دولت
امتیاز می بخشید و آن عبارت بود از راستکاری و امانتداری، خواه این
راستکاری و امانتداری مربوط به احساسات دوران جوانی او بود
و خواه نتیجه محافظه کاری و احتیاط، از گفتار و کردار او این نکته
واضح میشد که وی در بین خود و حق دولت و ملت یک خط فاصل
روشن کشیده و از آن عدول نمیکند. یعنی برخلاف سایر وزرا و سفرا
بهمان معاش اکتفا مینماید و به همین علت با وصف دوره های
مدید سفارت ذخیره و اندوخته در داخل یا خارج نداشت. ازین که
بگذریم از نظر مطالعه و معلومات یک انسان متوسط بلکه پایتزر آن
بحساب میرفت و سعی داشت که قلت بضاعتش را ازین ناحیه
در زبر پرده کم حرفی، وارد نشدن در موضوعات و احیانا بکار بردن
جملات معیاری راجع به وظیفه شناسی و دسپلین و امثال آن پنهان
نماید.

رحیم الله خان برعکس رند بجه کابل بود، از نظر خانوادگی
اوبه یک عایله زرگر تعلق داشت که یکده از افراد آن هنوز به
زرگری اشتغال داشتند و بعضی حرفه پدری را ترک گفته به سلك
ماموریت داخل شده بودند. غلام علیخان مدیر مامورین بانک که
قبلاً ذکرش رفت نیز از همین عایله بود و از ابانی اعمام عبدالرحیم خان
بحساب میرفت. هر چند رحیم الله خان تعلیمات عصری را فرا نگرفته
بود اما از ذکاوت فطری به پیمانه زیاد بهره مند بود و استعداد ظرافت
و حاضر جوابی را نیز به آن ضمیمه میکرد. در هر موضوع به صحبت
میر پرداخت و اکثر افراد را البته به استثنای افراد خانواده شاهی
و اطرافیان نزدیک آن، بیاد تمسخر و استهزا میگرفت. البته من او را
در دربار ندیده بودم اما میگفتند که در حضور افراد خانواده شاهی
خصوصاً در دربار محمد هاشم خان که ولی نعمت او بود باهمان
مهارت و طلاقت لسانش از تملق و مدیحه گویی کار میگرفت و همین
امر عامل عمده پیشرفت کارش در نزد ایشان بود.

از جمله حکایتهایی که درین کمسیون از او شنیدم و به فکر من
از دقت نظر او نمایندگی میکرد حکایت آتی بود که به مناسبت
مسافرت عبدالمجید خان زابلی به خارج و اقامت دوامدارش در آنجا
ایراد کرد:

داکتر غلام محمد دستگیر برومفیلد، کلرادو
موافقت نامه برای آوردن صلح در افغانستان
 بین امارت اسلامی افغانستان که توسط ایالات متحده به
 حیث دولت شناخته نشده چون طالب معروف است.
 موافقت نامه جامع صلح در چهار جزء تقدیم گردیده
 است.

۱- میخانیکیت ضمانت ها و طرز العمل، که هرگاه گروهی
 یا فردی به ضد امنیت امریکا و متحدینش از خاک افغانستان
 فعالیت نماید، وقایه به عمل خواهد آمد.

۲- میخانیکیت ضمانت ها و طرز العمل، برای اعلان یک
 آجندهائی که خروج همه قوای خارجی را از افغانستان دربرداشته
 باشد.

۳- بعد از اعلان ضمانت ها برای خروج مکمل قوای
 خارجی و آجندهای آن در محضر شاهدان بین المللی، تضمین و
 اعلان در حضور شاهدان بین المللی که: خاک افغان بصد امنیت
 اضلاع متحده و متحدین او استعمال نخواهد شد، امارت اسلامی
 افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و
 چون طالب معروف است، مذاکرات بین الافغانی را با جوانب
 افغان به ۱۰ مارچ ۲۰۲۰م، ۱۵ رجب ۱۴۴۱ ه ق و ۲۰ حوت ۱۳۹۸
 ش ه شروع خواهند نمود.

۴- آتش بس دایمی و جامع، یک فقره در آجندهای
 دیالوگ و مذاکرات بین الافغانی خواهد بود. مشمولین مذاکرات
 بین الافغانی تاریخ و چگونگی آتش بس جامع و دایمی را بحث
 خواهند کرد. میخانیکیت های طرز العمل مشترک، نیز شامل بوده
 که همزمان با موافقت و تکمیل پروگرام های وسیع راجع به آینده
 سیاسی افغانستان، اعلان خواهد شد.

چهار جزئی که در بالا ذکر یافت، با یکدیگر ارتباط بین
 الیینی داشته هر کدام به اساس آجندهای ترتیب یافته و فقرات
 توافقی یافته اجرا خواهند شد. موافقت در دو جزء اول جهت را
 بسوی دو اجزای اخیر تعیین خواهد کرد.

ذیلاً متن موافقه برای طرز العمل اجزای اول و دوم است
 که در بالا بیان شد. هر دو طرف موافقه نموده اند که بین این دو
 اجزاء ارتباط بین الیینی وجود دارد. مسؤولیت امارت اسلامی
 افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و
 چون طالب معروف است، درین موافقت نامه به ساحه های تحت
 کنترل شان تا زمان تشکیل حکومت جدید اسلامی افغان «بعد از
 موافقه رسمی میلان به حل منازعات و یامناقشات (Post -
 settlement) قسمیکه در دیالوگ و مذاکره بین الافغانی رای داده
 شد، تطبیق میگردد.

جزء اول: اضلاع متحده متعهد است که تمام قوای نظامی
 خود، متحدینش، شرکای ائتلاف، بشمول تمام پرسونل ملکی غیر
 دیپلوماتیک، قرار دادی های امنیتی که شخصی اند، ترینرها،
 مشاورین و پرسونل های خدمات حمایتی را در ظرف ۱۴ ماه بعد
 از اعلان این موافقت نامه از افغانستان خارج نموده اقدامات ذیل را
 درین باره اتخاذ میکنند:

الف: (درین قسمت متن انگلیسی بی نظم میشود و II A در
 جزء اول بدون اینکه توضیح شود ظاهر میگردد. در متن انگلیسی
 که ۸ صبح نشر کرده این II A حذف شده است) اضلاع متحده،
 متحدینش و ائتلاف موارد ذیل را در ظرف ۱۳۵ روز در معرض
 اجرا قرار خواهند داد:

۱- تعداد قوای امریکا در افغانستان به هشت هزار و
 شصت نفر تنقیص خواهد یافت. و متناسباً به تعداد قوای متحدین
 و ائتلاف، نیز کاهش رخ خواهد داد.

۲- اضلاع متحده، متحدینش و ائتلاف، تمام قوا های خود
 را از پنج پایگاه نظامی خارج خواهند کرد.

ب: با در نظر داشت تعهد و کردار امارت اسلامی
 افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و
 چون طالب معروف است، در جزء دوم (پس چرا تحت جزء اول
 ذکر شد. جزء دوم بیشتر در باره تهدید امنیت امریکاست، ممکن
 هدف جزء دوم مقدمه)، این موافقت نامه اضلاع متحده،
 متحدینش و ائتلاف مراحل ذیل را در معرض اجرا قرار خواهند
 داد:

۱- اضلاع متحده، متحدینش و ائتلاف تمام قوا های
 متباقی را از افغانستان در ظرف نه ونیم ماه که باقی کاملاً خارج
 خواهند ساخت.

۲- اضلاع متحده، متحدینش و ائتلاف، تمام قوا های خود
 را از متباقی پایگاه ها خارج خواهند ساخت.

ج: اضلاع متحده تعهد نموده که: پلان دارد برای رهایی
 سریع محبوسین سیاسی و جنگی جهت ایجاد فضای اعتماد، با
 هماهنگی و تأیید همه جوانب مربوطه، بکار آغاز نماید.

تا حدود پنج هزار نفر محبوسین امارت اسلامی افغانستان
 که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب
 معروف است و تا حدود یک هزار نفر محبوسین طرف دیگر در
 روز اول مذاکرات بین الافغانی مطابق دهم مارچ ۲۰۲۰م، ۱۵
 رجب ۱۴۴۱ ه ق و ۲۰ حوت ۱۳۹۸ ه، از حبس رها خواهند شد.

طرف های مربوطه هدف دارند که تمام متباقی محبوسین
 را در ظرف سه (۳) ماه آینده از حبس رها کنند. اضلاع متحده به
 تکمیل این هدف تعهد میکند. امارت اسلامی افغانستان که توسط
 اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف
 است وعده میدهد که محبوسین آزاد شده شان به مسؤولیت های
 که درین توافق نامه ذکر شده پابند بوده عامل تهدید به امنیت
 اضلاع متحده و متحدین آن نخواهند بود.

د: همراه با شروع مذاکرات بین الافغانی، اضلاع متحده
 از نگاه اداری بر لست محدودیت ها و پاداش کنونی درباره اعضای
 امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت
 شناخته نشده و چون طالب معروف است، تجدید نظر انداخته،
 هدف دارد: این محدودیت ها را تا ۲۷ اگست ۲۰۲۰م، ۸ محرم
 ۱۴۴۱ ه ق، ۶ سنبله ۱۳۹۹ ه ش، رفع نماید.

ه: با شروع مذاکرات بین الافغانی، اضلاع متحده تشبثات
 دیپلوماتیک را با دیگر اعضای شورای امنیت ملل متحد و
 افغانستان آغاز مینماید تا اعضای امارت اسلامی افغانستان که
 توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب
 معروف است، از لست محدودیت ها خارج شده برای رسیدن به این
 هدف روز ۲۹ می ۲۰۲۰م مطابق ۶ شوال ۱۴۴۱ ه ق و ۹ جوزای
 ۱۳۹۹ ه ش انتخاب شده است.

و: اضلاع متحده و متحدینش، از تهدیدات و یا استعمال
 قوا بصد تمامیت ارضی و استقلال سیاسی افغانستان یا مداخله در
 امور داخلی آن اجتناب خواهند کرد.

جزء دوم: با عطف توجه با اعلان این توافقنامه، امارت
 اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته
 نشده و چون طالب معروف است، مراحل ذیل را جهت جلوگیری
 از استفاده گروهی و یا فردی بشمول القاعده از خاک افغانستان،
 برای تهدید امنیت اضلاع متحده و متحدینش، مراحل ذیل را مد
 نظر خواهد گرفت:

۱- امارت اسلامی افغانستان، که توسط اضلاع متحده
 بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، به هیچ یک
 از اعضای خودش، دیگر فرد یا گروه ها، بشمول القایده اجازه
 نخواهند داد که خاک افغانستان را جهت تهدید امنیت اضلاع
 متحده و متحدینش، مورد استعمال قرار دهند.

۲- امارت اسلامی افغانستان، که توسط اضلاع متحده
 بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، آنهائیکه به
 امنیت امریکا و متحدینش تهدید استند پیام واضح خواهد فرستاد
 که در افغانستان جاه ندارند و به اعضای خود، امارت اسلامی
 افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون
 طالب معروف است هدایت خواهد داد تا با آن گروه یا فردیکه
 امنیت اضلاع متحده و متحدینش را تهدید میکنند، همکاری نه
 نمایند.

۳- امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده
 بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، هر گروه یا
 فردیکه از افغانستان سبب تهدید امنیت اضلاع متحده و متحدینش
 را فراهم میکند جلوگیری خواهد نمود و هم از تربیه، استخدام
 سربازان و کمک مالی به ایشان مانع شده از مهمانداری آنها به
 اساس تعهد به این موافقتنامه ابا خواهند ورزید.

۴- امارت اسلامی افغانستان، که توسط اضلاع متحده
 بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، تعهد میکند
 آنهائی که به افغانستان تقاضای پناهنگری و سکونت میکنند
 قرار قانون مهاجرت بین المللی و تعهد به این موافقتنامه رفتار
 نمایند، تا چنین اشخاص باعث تهدید امنیت اضلاع متحده و
 متحدینش، نشوند.

۵- امارت اسلامی افغانستان، که توسط اضلاع متحده
 بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، برای آن
 عده کسانی که به امنیت اضلاع متحده و متحدینش تهدید پنداشته
 شوند؛ ویزه، پاسپورت، اجازه ای سفر و دیگر اسناد قانونی، برای
 دخول آنها در افغانستان تهیه نخواهند کرد.

جزء سوم: ۱- اضلاع متحده از شورای امنیت ملل متحد
 درخواست خواهد کرد تا این موافقتنامه را برسمیت شناخته
 تصویب نمایند.

۲- اضلاع متحده و امارت اسلامی افغانستان که توسط
 اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف
 است، تمنای روابط مثبت با یکدیگر داشته توقع میروند روابط بین
 اضلاع متحده و حکومت جدید اسلامی افغان «بعد از موافقه
 رسمی و میلان به حل منازعات و یا مناقشات (Post -
 settlement)» قسمیکه در دیالوگ و مذاکره بین الافغانی رای داده شد، مثبت
 باشد.

۳- اضلاع متحده جویای همکاری اقتصادی برای بازسازی
 با حکومت جدید اسلامی قسمیکه در دیالوگ و مذاکرات بین
 الافغانی رای داده شده، میباشد. و به امورداخلی مداخله نخواهد
 کرد.

جزء چهارم: شامل توافقات سری است که اجازه نشر به
 آن داده نشده است.

در دوحه بروز ۲۹ فروری ۲۰۲۰م، ۵ رجب ه ق و ۱۰
 حوت ۱۳۹۸ ه ش به زبانهای انگلیسی، دری و پشتو در دو کاپی
 که هر یک آن مساویانه قابل اعتماد میباشد، امضا شد.

امضا کنندگان: زلمی خلیلزاد نماینده خاص امریکا
 ملا برادر: نماینده ارشد طالب

خوانندگان عزیز و گرانقدر، در این توافقنامه اضلاع
 متحده امریکا از قوم پشتون طرفداری نموده است. یعنی فقط
 برای امنیت خود و تباهی مردم افغانستان و کمک به دونالد ترمپ
 که باز برای چهار سال دیگر رئیس جمهور شود، طرح شده
 نویسنده این درامه زلمی خلیلزاد نام دارد. این توافقنامه و
 مسؤولین اجراییوی آن هر کسی که باشد از طرف قانون دانان
 مردم افغانستان با همکاری دوستان شان که در قوانین امور بین
 المللی تخصص دارند به محاکمه کشانیده شوند. توجه جدی تانرا
 به تبصره ای چند در موارد مختلف این توافقنامه و هم تذکر باید
 داد که کاپی های توافقنامه که در رسانه های اجتماعی نشر شده
 فاقد پرنسپهای اسناد قانونی بوده مخصوصاً اصطلاحات مانند
 ضمانت، طرز العمل، متحدین، ائتلاف، بین الافغانی، حکومت
 جدید اسلامی، Post - settlement و امور داخلی تعریف نشده است،
 محترمانه جلب می نمایم:

۱- از مذاکرات بین الافغانی خبری نیست.
 ۲- از عدم مداخله پاکستان در امور داخلی افغانستان
 ذکری نیامده چون مذاکره کنندگان اضلاع متحده و پاکستانی
 بودند نه افغانستانی.
 ۳- این موافقتنامه نمایانگر مداخله در امور داخلی افغانستان
 است.

۴- امنیت افغانستان بیش از پیش تهدید شده است. داعش
 که ممکن شعبه از طالب ظالم باشد میگویند به سربازگیری در
 کنرها شروع کرده است.

۵- ویزه و پاسپورت به اساس قوانین بین المللی از طرف
 دولت ها صادر میشود نه تروریست ها. به عبارت دیگر، گرچه
 بارها درین توافقنامه آمده که: امارت اسلامی افغانستان بحیث
 دولت از طرف اضلاع متحده شناخته نشده، با این عمل اول نقض
 گفتار خود کرده اند و دوم این گروه طالب ظالم را به حیث دولت
 وانمود ساخته اند که بفکر من مثل شناخت است.

۶- رهایی ۵۰۰۰ جانی و قاتل بصد امنیت افغانستان است.
 آقای رحمت الله نبیل در صفحات اجتماعی اسنادی ارائه نموده اند
 که نشان میدهد در بین این تعداد محبوسین ۲۸۰ نفر کسانی اند که
 با واسکت انتحاری گرفتار شده بودند.

۷- توافق طالب ظالم با اضلاع متحده اینست که از
 افغانستان به آنها ضرر نمیرسد. اینکه، در خارج از افغانستان و یا
 داخل اضلاع متحده توسط نفوذیها یا sleeperهایشان تهدیدات
 موجود است تذکری بعمل نیامده است. ولی طالب ظالم از قتل
 برادران و خواهران مسلمان خود بسراعت اقرار میدارند؛ بحثی
 است که باید علمای متبحر و دانشمند دینی فتوای مظلوم بودن
 مردم افغانستان را صادر نمایند.

۸- اصلا ما شاهد سالهای متمادی جنگ احزاب مخصوصاً
 جمعیت اسلامی با طالب بودیم. اگر طالب و طندوست و مسلمانان
 دیندارند چرا با این گروه از در صلح پیشآمد ندارند؟

۹- قرار گفتار جنرال ارشد اردوی پاکستان طالب ها از
 طرف آنها سوق و اداره میشوند. که مشکل اساسی را به جهان بی
 پرده بیان نمود. لکن جهان چشم پوشید و از نوکران پاکستان
 حمایت کرد و تظلم حکومت های هند و برما را برمسلمانها
 فراموش نمود.

۱۰- شورای امنیت ملل متحد با شناخت و تصویب این
 توافقنامه بصد امنیت مردم افغانستان و به حمایت از ظالم و
 انتحاریون عمل نموده به ضد منشور ملل متحد عمل کرده نوکری
 خود را به اوامراضلع متحده و لابی های پاکستان ثابت کرده
 است. قسمیکه افغانستانی ها در لندن در مقابل سفارت امریکا
 مظاهره کردند بفکر من باید افغانستانی های وطندوست در مقابل
 تعمیر ملل متحد در نیویارک و در یک زمان مساعد به مظاهره
 اقدام نمایند.

۱۱- اضلاع متحده با مداخله در امورداخلی جمهوریت
 اسلامی افغانستان، «امارت نام نهاد «را حمایت نموده تشویق
 کرده است که «حکومت جدید اسلامی «را برگزارد سازند. این
 خلاف روابط بین الدول است. اضلاع متحده در حقیقت افغانستان
 را در یک پطنوس نقره ای به پاکستان از طریق طالب ظالم اهدا
 کرده است.

۱۲- امضا کنندگان موافقتنامه اشخاصی اند که پشتون
 بوده پاسپورت های امریکایی دارند و بطرفداری قوم خود مساعی
 مزید بکمک پاکستان بخرچ داده اند نه برای خیر و (صفحه هشتم)

Omair Weekly
 12286 Ashmont Ct. # 202
 Woodbridge, VA 22192 - 7075 U.S.A.
 Tel/Fax : (703) 491-6321
 mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسنول : محمدقوی کوشان

برگی از خاطرات شادروان فرهنگ

دفتر خاطرات مورخ و پژوهشگر بزرگ میرمحمدصدیق فرهنگ، نویسندهٔ نامدار واز مبارزین مشروطه واز بنیانگذاران حزب بافتخاروطن، درکنار مبارز نستوه ومورخ شهرشادروان میرغلام محمدغبار ودیگر همسنگران شان در نهضت مشروطه خواهی، خاطرات سیاسی واجتماعی خویش رادر کتاب مستطاب شان گردآورده اند.

با اتحاف دعابه روح آن پژوهشگردانشمند بزرگ و درسالگرد وفات شان، از جملهٔ خاطرات سیاسی آمیخته باطنز آن شادروان یکی هم حکایت ذیل است، که درصفحات ۱۵۸-۱۶۱درج است وبنابر لطافت آن درینجا نقل می کنیم :

... «کمسیونی که ازجانب مجلس ورزا برای مطالعهٔ قانون مامورین (دافغانستان بانک) تعیین شده بود، همکارشدم زیرامن وغلام حیدخان مختار زاده ازجانب بانک ملی به آن کمسیون معرفی شده بودیم درحالیکه مجلس وزرا عبدالحسین خان ورحیم الله خان وزیربست وتلگراف تعیین شده بودند وعضودیگران حبیب الله خان رئیس دافغانستان بانک یک شخص کاملاً پاسیف بود. درین کمسیون که کارآن چندماه بطورانجامید، من برای بار اول موفق شدم دونفر ازوزرا رااز نزدیک مطالعه کنم، ایندونفرکه ازجملهٔ وزرای فعال وبرجستهٔ کابینه میرفتند از نظر شخصیت وسجیه دردو قطب کاملاً مخالف قرارداشتند. عبدالحسین خان که درین وقت شور وشعف جوانی رابرای آزادی ومشروطه ازدست داده بود، مردی بود شمرده، محتاط ومحافظه کار. ازواضع چنان معلوم میشدکه ازسر نوشت رقیقانش که ازچندسال به اینطرف درزندان ارگ بسر میبردند عبرت کامل گرفته وبهیچ صورت حاضر نیست خودش رابه آن گرفتار سازد. باوصف آن یک نکته اورابرمقطاراناش درکابینه وسایر رجال دولت امتیازمی بخشید وآن عبارت بوداز راستکاری وامانتداری، خواه این راستکاری وامانتداری مربوط به احساسات دوران جوانی اوبود وخواه نتیجهٔ محافظه کاری واحتیاط، ازگفتار و کردار اواین نکته واضح میشدکه وی دربین خود وحق دولت وملت یک خط فاصل روشن کشیده وازآن عدول نمیکند. یعنی برخلاف سایروزرا وسفرا بهمان معاش اکتفا مینماید وبه همین علت با وصف دوره های مدیدسفارت ذخیره واندوختهٔ درداخل یاخارج نداشت. ازین که بگذریم از نظر مطالعه ومعلومات یک انسان متوسط بلکه پایینتر از آن بحساب میرفت وسعی داشت که قلت بضاعتش راازین ناحیه درزیر پردهٔ کم حرفی، واردنشدن در موضوعات واحیاناً بکار بردن جملات معیاری راجع به وظیفه شناسی و دسپلین وامثال آن پنهان نماید.

رحیم الله خان برعکس رند بچهٔ کابل بود، از نظر خانوادگی اوبه یک عایلهٔ زرگرتعلق داشت که یکدهه ازافراد آن هنوز به زرگری اشتغال داشتند وبعضی حرفهٔ پدری راترک گفته به سلک ماموریت داخل شده بودند. غلام علیخان مدیر مامورین بانک که قبلاً ذکرش رفت نیز از همین عایله بود واز انبای اعمام عبدالرحیم خان بحساب میرفت. هرچندر حیم الله خان تعلیمات عصری رافرا نگرفته بود اما از ذکاوت فطری به پیمانهٔ زیاد بهره مند بود واستعداد ظرافت وحاضر جوابی رانیز به آن ضمیمه میکرد. درهر موضوع به صحبت میپرداخت و اکثر افراد رالبته به استثنای افراد خانوادهٔ شاهی و اطرافیان نزدیک آن، بیاد تمسخر واستهزا میگرفت. البته من اورا در دربار ندیده بودم اما میگویند که در حضور افراد خانوادهٔ شاهی خصوصاً در دربار محمد هاشم خان که ولی نعمت او بود باهمان مهارت و طلاقت لسانش از تملق ومدیحه گویی کار می گرفت و همین امر عامل عمدهٔ پیشرفت کارش در نزد ایشان بود. از جمله حکایت هایی که درین کمسیون ازو شنیدم وبه فکر من ازدقت نظراو نمایندگی میکرد حکایت آتی بود که به مناسبت مسافرت عبدالمجیدخان زابلی به خارج واقامت دوامدارش در آنجا ایراد کرد :

وی گفت که در عصر شاه شجاع یکنفر مداری از هند به کابل آمده وبه نمایشات در نقاط پرازدحام شهر پرداخت وجون داستان مهارت اوبه سمع شاه رسید امر کرد تا او را برای هنرنمایی به دربار حاضر کنند. هنگامیکه مداری حاضر شد شاه مشاهده کرد که وی مردی سیاه سوخته، ژولیده موو کوچک اندام یعنی به تمام معنی خالی از حیثیت واعتبار یکنفر هنرمند بود واز اسباب کار هم بجز از یک شاخ کهنهٔ آهو یا بز چیزی باخود نداشت! شاه بآبی اعتنائی به او امر کرد که به عرضه کردن متاعش آغاز کند، مداری تعظیمی کرد و سپس ازدست یکی از عملیهٔ دربار دستمالش را گرفت ودرحالیکه کلمهٔ حق را به صدای بلند بر زبان راند دستمال رابه دهن شاخ نزدیک کرد و دستمال در سوراخ شاخ کهنه فرورفت ومفقود شد!

حاضرین کمی متعجب شدند امامدادی دستش رادراز کرده چوب فلکهٔ فراش را ازدستش گرفت وبا نعرهٔ حق آنرا هم در حلقوم شاخ فرو برد، اینبار حاضرین بشمول شاه در حیرت فرورفتند زیرا طول چوب نسبت به درازی شاخ چندین برابر بود. یکنفر از منشیان قلمدانش راپیش کرد آنهم در شکم شاخ جا گرفت. بعداً حاضرین یکی بردیگری سبقت جسته از قوطی نصورانقره وطلا گرفته تا جبه و دستار و کفش وکلاه ازهرجنس وبه هر بزرگی اشیارا به اوسپردند واو همه را در بطن شاخ جاداد!
(صفحهٔ هشتم)

اما در ترجمهٔ فارسی که من دریافت کرده ام ازبخش چهارم آن خبری نبود ونیز در سراپای این موافقتنامه از(آوردن صلح به افغانستان) که در عنوان توافقنامه ذکر شده ، کوچکترین تذکر دیگری داده نشده وهمهٔ متن فقط امتیاز دادن به گروه آدمکش طالبان است .

در یکی دوجاز مذاکرات (بین الافغانی) تذکر داده شده بدین شکل:

۱--آتش بس جامع ودائمی شامل اجندای مذاکرات بین الافغانی باشد و شرکت کنندگان نشست بین الافغانی در مذاکرات شان روی تاریخ وچگونگی این آتش بس دائمی بحث و مشخص میکنند.

۲- با آغاز مذاکرات بین الافغانی امریکا برسی تحریم هاعلیه اعضای گروه طالبان را آغاز میکند با این هدف که در صورت پیشرفت در مذاکرات بین الافغانی تحریم ها علیه این گروه تا ۲۷ اگست ۲۰۲۰ برداشته شود.

قابل تذکر میدانم که در تمام متن بی سروتهٔ این موافقتنامه، اسمی ازدولت (جمهوری اسلامی افغانستان) برده نشده که در اینجا سوالی پیدامیشود که پس اگر یکطرف قضیه در مذاکرات (بین الافغانی) طالبان باشد، طرف دیگر در مذاکرات بین الافغانی کدام مرجع یا کدام گروه بود؟ مخصوصاً که جناب مولوی ملا عباس ستانکری که سابقهٔ بافتخار خلقی بودن را در دامن (ح-د-خ-ا-۱) داشته ودارد بعد از امضای توافقنامه بانمایندۀ امریکا، با سافتخار و بانداختن غبغه در گلو به خبرنگاران میگفت که ما دولت فعلی کابل را برسمیت نمی شناسیم وچنان نشان میداد که گویی شمشیر فتح در دست وی بوده و اوست که ضربهٔ آخر را زده است. اما غافل از این بود که بیشتر از ده هزار، آدمکشان، ویران گران، انتحارکنندگان، آتش افروزان، قاجاقبران، و دزدان وبالاخره تروریستان گروه شان به محابس همین دولتی در بندهستند که این چیز نافهم، برسمیت نمیشناسد ومقامات ذیصلاح همین دولت است که جانبیان فوق الذکر ا میتواند از بند آزاد کند نه کدام مرجع دیگر.

اگر مقصد طالبان تروریست این باشد که جانب دیگر در مذاکرات ، سران وروئسای تنظیم های جهادی که فعلاً خود را (سیاسیون)؟ نامیده ومینامند باشد ، سخت در اشتباه اند زیرا اینها هم در گذشتهٔ نه چندان دور ملت مظلوم افغانستان را سخت آزرده اند وشخص دیگری را که فعلاً قذبلندک میکند

جناب کرزی است که اوهم امتحان خود را بمردم افغانستان داده است. او بر علاوهٔ آنکه مدت بیشتر از ده سال در اریکهٔ قدرت بود (قدرتی که از طرف حامیان امریکایی وكشورهای عضوناتو توبرایش ارزانی شده وبه اساس فیصلهٔ همان کنفرانس بن باسایر(سیاسون)؟ فعلی باجیب های پر وارد افغانستان شدند وکردند آنچه دل شان میخواست ونکردند آنچه دل مردم میخواست بناً اوهم مورد قبول ملت مظلوم افغانستان نیست.

جناب ملا ستانکزی! فرض کنید که شما با افراد واشخاصی که مورد قبول شما هستند مذاکره ومفاهمه کردید ویک توافق رسیدید، آیا فیصله های شان که یقیناً به نفع شما خواهد بود، قدرت وتوان اجرایی خواهد داشت؟ در اینجا از جناب خلیل زاد میپرسم : شما ومذاکره کنندگان طالب بتوافق رسیده اید که (امریکا فوراً کار را با طرفهای مختلف برای زندانیان طالبان آغاز میکند. باید ۵هزار زندانی طالبان در زندانها دولت افغانستان ویکهزار زندانی اسیر گروه طالبان تادهم مارچ ۲۰۲۰ آزاد شوند که تاریخ گفتگوهای بین الافغانی نیز در نظر گرفته شده است. همچنین گفته شده که امریکا کمک می کند تا طالبان ودولت افغانستان طرف سه ماه تمامی زندانیان یکدیگر را آزاد کنند.

۱-درین بخش فهمیده یانافهمیده به یک حقیقت اذهان کرده اید وآن اینکه در افغانستان دولتی موجود است وتذکر فرشته است که این زندانیان در محابس دولت افغانستان در بند است.

۲- امر شده است که باید ۵هزار زندانی طالبان از زندانهای دولت افغانستان آزاد گردد. این باید را کی وكدام مرجع جامعهٔ عمل بیوشاند واضع نگردیده است زیرا دولت افغانستان هیچگونه مکلفیتی ندارد که بندیان طالب را آزاد کند آنهم در ظرف ده روز زیرا:

اولاً دولت افغانستان شامل مجالس شما نبوده وهم هیچگونه تعهدی نسپرد، ثانیاً این پنج هزار زندانی مجرم طالبان آیا کدام سجل ، سوانح نوع جرم مشخص حکم محکمه واین چیزها را دارند یا خدای نخواستہ مانند حیوانات در یک طویله انداخته شده اند که در آنجا را باز کنند وهی شوند؟ بدون حساب وکتاب وبدون فهمیدن اینکه چرا حبس شده بود بکدام جرم .

آیا بهتر نبود که قبل از امضای این قرارداد ازدولت افغانستان هم یک نماینده شامل مذاکرات شما میبود یا اینکه قبل از امضاء مسودهٔ آنرا بملاحظهٔ دولت یا پارلمان افغانستان میرساندید؟ تا مواردی که خلاف قرارداد استراژی یک بین افغانستان وایالات متحدهٔ امریکا بود حذف میشد . (صفحهٔ هشتم)

حسن (زنده بانانی) ورجینیا

بر یخ نوشتند و به آفتاب گذاشتند

بالاخره (توافقنامهٔ تاریخی)؟ میان امریکا وگروه تروریستی طالبان دردو حه قطر بعد از هژده ماه (ضیاع وقت) به امضاء رسید. موافقتنامه را زلمی خلیل زاد یک امریکایی افغانی الاصل به نمایندگی ازوزارت خارجهٔ امریکا وكسی بنام ملا برادر به نمایندگی ازگروه تروریستی طالبان امضاء کرده است .

درین (توافقنامهٔ تاریخی)؟ قسمی که دیده میشود جانب ایالات متحدهٔ امریکا بدون در نظر گرفتن عرف سیاسی ودیپلوماسی رایج بین المللی دولت موجود افغانستان رانادیده گرفته وخود بجای آن تعهداتی را به طالبان تروریست داده است که نتنها در تضاد باخواست وآرزوهای ملت مظلوم افغانستان است که ایالات متحدهٔ امریکا غیر مستقیم قبول کرده که افغانستان را اشغال کرده است. اما از آنجائیکه توافقنامه از طرف کسی بنمایندگی امریکا امضاء شده که بست وی اوظیفهٔ رسمی دردولت ایالات متحدهٔ امریکا ندارد واین خود ازوزن وارزش اجرایی توافقنامه میکاهد .

جناب خلیل زاد درین موافقتنامه بر علاوهٔ اینکه (از کیسهٔ خلیفه بخشیده)، به اشتباهات زیادی هم موافقه کرده است از جمله:

□ در عنوان موافقتنامه آمده :(موافقتنامهٔ آوردن صلح به افغانستان میان امارت اسلامی افغانستان که امریکا بعنوان دولت برسمیت نمی شناسد و بنام طالبان شناخته میشود و ایالات متحدهٔ امریکا)

۱ - (موافقتنامهٔ □ آوردن □ صلح به افغانستان) بنظر نامفهوم است آغای خلیل زاد باید بجای آوردن صلح به افغانستان، می نوشتند: موافقتنامهٔ □ خروج □ نظامیان امریکائی از افغانستان یا (موافقتنامهٔ پایان جنگ میان گروه طالبان وایالت متحدهٔ امریکا در افغانستان)

۲- هرگاه امریکا (امارت) را بنام دولت نمی شناسد ، چه لزوم داشت کلمهٔ امارت را شامل موافقتنامه نمایند؟

۳- بدوام آن آمده(و بنام طالبان شناخته میشود) که خیلی بی مفهوم وگنگ است زیرا (آوردن صلح میان امارت اسلامی افغانستان وایالات متحدهٔ امریکا) صریحاً درج وامضاء شده است که واضح وروشن یک جانب قرارداد یا موافقتنامه امارت اسلامی و طرف دیگر ایالات متحدهٔ امریکا است.

بنظر من جناب خلیل زاد به حیث نمایندهٔ ایالت متحدهٔ امریکا ، فهمیده یا نا فهمیده، امارت اسلامی طالبان را برسمیت شناخته که موفقیت بزرگی برای طالبان است . ومحتویات نامفهوم این موافقتنامه سراپا بنفع طالبانست از جمله:

- خروج نیروی های امریکائی وسائرمپیمانانش از افغانستان در ظرف ۱۴ ماه .

- امریکا فوراً کار را با طرفهای مختلف برای رهائی زندانیان طالبان آغاز میکند باید ۵هزار زندانی طالبان در زندانهای دولت افغانستان ویکهزار زندانی اسیر گروه طالبان تادهم مارچ ۲۰۲۰ آزاد شوند ودر ظرف سه ماه تمامی زندانیان یکدیگر را آزاد کنند.

- امریکا برسی میکند که تا تاریخ ۲۷ اگست ۲۰۲۰ تحریم هاعلیه گروه طالبان برداشته شود.

- امریکا از اعضای دایمی شورای امنیت خواهد خواست تا اعضای طالبان را از فهرستهای سیاه مربوط خود بیرون کنند.

در بخش دوم این موافقتنامه از گروه طالبان بحیث یک دولت خواسته شده تا:

- طالبان به فرد یا گروهی از جمله القاعده اجازه ندهد تا از خاک افغانستان برای تهدید امریکا ومتحدان آن استفاده کند.

- طالبان جلوه رگروهی را که بخواهد از افغانستان علیه امریکا ومتحدان آن تهدید ایجاد کند میگردد واجازهٔ جذب نیرو، آموزش وتویل را به آنها نداده واز آنها میزبانی نخواهد کرد.

- طالبان متعهد است باگروه هایکه در افغانستان پناه میگیرند مطابق به قوانین بین المللی مهاجرت ومواد این توافق نامه برخورد کند تا آنها نتوانند امنیت امریکا ومتحدان آنرا تهدید کنند.

- طالبان بگروه های که امنیت امریکا ومتحدان آنرا تهدید می کند ویزه، پاسپورت، جواز سفر یا هیچ نوع اسناد قانونی نخواهد داد تا آنها بتوانند وارد افغانستان شوند.

در بخش سوم توافقنامه آمده است که:

- امریکا از شورای امنیت سازمان ملل درخواست مینماید تا این توافقنامه را تایید کند.

- امریکا وطالبان در پی ایجاد روابط مثبت با یکدیگر هستند و انتظار دارند روابط دولت اسلامی جدید افغانستان که پس از مذاکرات بین الافغانی ایجاد خواهد شد با امریکا مثبت باشد.

- امریکا کوشش میکند برای بازسازی افغانستان بادولت جدید افغانستان همکاری اقتصادی داشته باشد ودرامور کاری آن دخالت نکند.

گمان میرود طرفین در چهار بخش باهم بتوافق رسیده باشند



نام کتاب: چهره ماندگار - نویسنده جمیله صانعی نجم
خاطره از زندگی درخشان یک مرد عالم و شجاعی که بادن نیمه
فلج (پولیو) حماسه آفرید و انتباه ماندگار به یادگار گذاشت.
ماه گذشته کتاب زیبا و پرمحتوایی که توسط همسرچین
شخصیت پولادین، بانوجمیله صانعی نجم نگاشته شده، از دست
بانوی فرزانه جمیله جان رهین بدستم رسید، که زیرعنوان (چهره
ماندگار) درهشتادصفحه باتصاویر یادگاری درمطبعه سپیدی
امریکن بچاپ رسیده است. صفحه اول کتاب باین سروده تزئین
یافته است:

آن گنج نها در دل و خانه، همسرم بود
محبوب همه، یار همه، تاج سرم بود
هرجا که زمن نام و نشانی بطلبند
آوازه نامش سند معتبرم بود

به تعقیب این شعر، بانوی پراحساس جمیله صانعی درمقدمه
کتاب چنین نوشت است: انسانها در زندگی اجتماعی و خانوادگی
بنابه اهمیت و نقش شان، جایگاههای متفاوتی را از آن خود میکنند.
یک خانواده زمانی خود را در اوج خوشبختی و سعادت احساس
میکند که همه اعضای آن در کنار هم شیرینترین و دوست داشتنی
ترین لحظات عمر را سپری کنند. بعضا کمبود و یا زد دست دادن

فردی از اعضای خانواده در
زندگی سایر اعضای آن چنان
اثرگذار می باشد که کمبود آن
برای سالیان متمادی همچنان
محسوس خواهد بود.
در یادداشتهایی که به نشر
میرسد، صحبت از فرزند و فرود
زندگی خانواده میباشد که
خوشی های کوتاه مدت
در شیرین ترین و حساس ترین
لحظات دامن آن رازها کرده و ابرهای تیره روزگار بر آن سایه می
افکند. (عکس: جمیله صانعی نجم با شوهرش مرحوم انجنیرنجم و
دخترشان مهدیه جان در نیوجرسی)

در این یادداشتهای زندگی دور از وطن باتمام خوبی و زشتی ها،
کمی و کاستی هایش به تصویر کشیده میشود، صحبت از انسان
دردمندی میشود که با وجود داشتن معلولیت دایمی تن به مشکلات
زندگی نداده تا آخرین لحظه حیات چون کوه استوار بامشکلات
مبارزه کرده به پیش میرود. انسانی که از آوان طفولیتش به بیماری
علاج ناپذیر پولیو مصاب میشود اما باراده پولادینی که دارد،
با وجود تحمل مشکلات متعدد دوره های ابتدایی ثانوی ولیسه را با
موفقیت پشت سر گذاشته و شامل پوهنزی انجنیری پوهنتون کابل
میگردد و از پوهنتون نیز باسربلندی فارغ می شود.

در این یادداشتهای باز هم از یک کانون کوچک خانوادگی در
دیار غربت یاد آوری میشود که زندگی رویایی خود را مجدداً
آغاز میکند و چندسال محدود را باتمام خوشی هایش بازمی یابد.
عشق، محبت، صفا و صمیمیت کانون خانواده را گرمتر و گرمتر
میسازد، اما این خوشی ها نیز گذرا بوده و باز هم ابرهای تیره زندگی
بر فضای خانواده و خوشبختی هایش سایه می افکند.

من که فراز و فرود زندگی را باتمامی زیبایی ها و زشتی هایش
تجربه کرده بودم و در این میان بهترین همدم و همسفر زندگی ام را
از دست دادم، بخاطر عشق بی پایانی که نسبت به او داشتم و همچنان
خاطرات فراموش ناشدنی ام بر گه هایی از این خاطرات رابه شکل
جزوه ترتیب و چاپ نمودم تا در اختیار اقارب، دوستان و عزیزانم
قرار گیرد. جادارد در اینجا از محترم عزیز الله فایز که در قسمت
ویراستای نوشته هایم همراهکاری نموده، اظهار سپاس و قدردانی
نمایم.

جمیله صانعی که در یک محیط و خانواده تحصیل یافته و روشن
ضمیر رشد نموده، تحصیلات عالی خود را در رشته ریاضی و فزیک
در دانشگاه کابل تکمیل نموده بعد از فراغت به تدریس شاگردان
معارف پرداخته است، ولی جریان زندگی پر بار و بر سعادت او
در اثر تحولات و کودتاهای سیاسی و دست نشاندهگان خارجی بر هم
خورد، و پدرش آقای صانعی که در زمان حکومت ظاهر شاه از نظر
فعالیت تجاری فرد شناخته شده و مطرحی بود، به زندان پل چرخ
محبوس گردید و چون آینده راتاریک و پرخطر می دید، به
فرزندانش توصیه کرد تا چنین محیط را ترک گویند.

انجنیر شجاع همسر جمیله صانعی مرد آرموده و پیرکاری که در
آغاز به شما معرفی شد، در نامه به همسرش چنین نوشت: جمیله جان
عزیزم! این نامه را در حالی برایت مینویسم که تمام فکر من
بطور کامل باشما میباشد. به هر طرفی که مینگریم چهره خندان
شمارا می بینم، در راه برگشت به منزل به شما و ملاقات باشما
فکر می کردم و همچنان صحبت تلفونی که باشما داشتم. به زندگی
گذشته خود و تمام مشکلاتی که در این سالها داشته ام و بعد از این
نیز خواهم داشت می اندیشم. وقتی به تمام این حوادث
فکر می کردم خنده ام گرفت اما خنده که اشک را در چشمانم
جاری ساخت، در مورد تمامی مسائلی فکر می کردم که زندگی ام را
با مشکلاتی توأم کرده بود.

نصیر احمد رازی

سدنی، استرالیا

دریچه به نثر پیشینان

بهترین پدر

انس مالک گفت روزی مصطفی (ص) در شاهراه مدینه میرفت
یتیمی را دید که کودکان بروی جمع آمده بودند و او را خوار
و خجل کرده و هر یکی بر وی تطاولی (تعدی و گستاخی) جسته، آن
یکی میگفت پدر من به از پدر تو، دیگری میگفت مادر من به از مادر
تو، سه دیگری میگفت کسان و پیوستگان ما به از کسان
و پیوستگان تو، و آن یتیم میگرفت و در خاک می غلتید. رسول
خدا چون آن کودک را چنان دید بروی ببخشود و بر وی بیستاد،
گفت: ای غلام کیستی تو چه رسیدی تو را که چنین درمانده ای؟
گفت من پسر فاعه انصاری ام پدرم روز احد کشته شد و خواهری
داشتم فرمان یافت (وفات یافت)، مادرم شوهر باز کرد و مرا براند.
اکنون منم درمانده

از نوشته هایم اشتباه برداشت نکنید چون هیچکدام از این مشکلات
مانع مبارزه ام در زندگی و رسیدن به آینده و هدفم نخواهد شد و پس
از این نیز برای رسیدن به اهدافم مبارزه خواهم کرد. من بخوبی
میدانم که این مبارزه کار ساده نخواهد بود ولی من راه و چاره
دیگری ندارم، آیشما جز این فکر دیگری میکنید؟

من بخوبی میدانم در این دنیا افراد زیادی هستند که پیش داوری
میکند و دیگران را آزار میدهند که حتی افراد معلولی همچون من
نیز آزار و اذیت شان مصون نیستند. افراد معلول خود این
کمبود را انتخاب نکرده اند بلکه این کمبود محصول وضعیت
زمانی بود که در آن بسر می بردند و امکان دسترسی به واکسین
پولیو وجود نداشت که من هم یکی از قربانیان آن زمان بودم. من
هم هرگز مایل نبودم که در زندگی به چنین مشکلی مواجه شده
و زندگی را بگذرانم، ولی متأسفانه این در اختیار من نبود. ولی
اکنون که من مواجه به چنین مشکلی هستم و باید زندگی کنم،
تنها چیزی که از این اجتماع انتظار دارم این است که به من نیز این
شانس را بدهند که بتوانم قابلیت های خود را تبارز داده و ظرفیت خود
را ثابت سازم.

من احساس کردم و دیدم که شما آماده هستید که به من این شانس
را بدهید و من صمیمانه از شما سپاسگزارم، امیدوارم که در جامعه
بخصوص جامعه افغانی نیز آنقدر درک و محبتی داشته باشد تا به من
آن شانسی را بدهد که شباهه من دادید و یا حداقل من و شما را به
حال خود بگذارد. آنها باید به من این فرصت را بدهند تا بتوانم به
شما و تمام دنیا ثابت سازم که همسر خوبی هستم. من به انسانهایی
بدی نکرده ام و آنها نیز نباید در مورد من پیش داوری کنند، چرا که
تنهایی و تنها زیستن ظالمانه است. من هم دنیار همان گونه می بینم
که دیگران می بینند و غمها و ناراحتیها را نیز چون دیگران حس
میکنم و شادی را مانند دیگران دوست دارم. من نیز همچون دیگران
میخورم، می نوشم، می خوابم، احساس دارم و گریه میکنم. پس
چرا دیگران فکر میکنند که من کمتر از یک انسان عادی بشمار می
آیم؟

این تقصیر من نبوده که قدمشش فایده یک مترو هشتاد سانتیمتر
نیست و یا نمی توانم به سرعت آنها بدم. من هم دوست دارم که
همه این توانایی ها را میباشم، ولی من فقط همین هستم که می
بینید و فکر میکنم با همین توانایی که دارم بهترین نتیجه را گرفتم.
امیدوارم که مردم به آنچه من توانایی انجامش را دارم نگاه کنند
و نه به آنچه من قدرت انجامش ندارم.

معرفی مختصر خاطرات ماندگار بانوجمیله صانعی نجم را با تحریر
نظر پرمحتوای ویراستار کتاب، آقای عزیز الله فایز به پایان میدهم.
ویراستاری این متن برایم فرصتی شد تا در مورد یکی از مهمترین
مسائل اجتماع ما دوباره به فکریافتم. افغانستان باتوجه به
محرومیت های ناشی از جنگ، داستانهای خواندنی و دیدنی
فراوانی از استعداد های خفته و انسان های پخته شده در تنور
زندگی دارد، هر کدام مادر زندگی خود باشجاع هایی مواجه
میشویم که متأسفانه تعداد محدودی از آنان فرصت تبارز توانایی
های شان را یافته اند.

هر سال چندین هزار انسان در کشور ما گرفتار معلولیت های ناشی
از جنگ، حکومتداری ناسالم و فقر اقتصادی - اجتماعی میگردند
و این داستان غم انگیزی و وقعه ادامه دارد. این واقعیت اهمیت
خاطرات خانواده و دوستان آقای شجاع را برجسته ترمیسازد، زیرا
خواندن این خاطرات برای هموطنان مانگیزه میدهد تا نسبت به
معلولان به دید انسانی تربینند و در مکتب، خانواده، اداره و محل
کار به این قشر اجتماع احترام و حقوق لازم را قایل شوند
تا در آینده شاهد تبارز استعداد های شجاع های بیشتری باشیم.

آقای شجاع غیر از توانایی های شخصی، از خوشبختی مواجه شدن
با خانواده و همسر مهربان نیز برخوردار بود. در واقع شجاعی را که
در این کتاب می شناسیم محصول همت خود او، تشویق و همکاری
خانواده و در نهایت محبت همسر مهربان و آگاهش میباشد. امیدوارم
این کتاب سرمشقی باشد برای خانواده ها و افراد دیگری که
در محیط خانواده و محل کارشان بانسانهای مستعد اما محروم مواجه
میباشند. /

بی کس و بینوا و از صعبتر مراسمزش این کودکان است.
مصطفی (ص) از آن سخن وی در گرفت و آن درد درد وی
بدو کار کرد و بگریست! پس گفت ای غلام اندوه مدار و ساکن
باش که اگر پدرت را ببخشند من که محمدم پدر تو ام و فاطمه
خواهر تو و عایشه مادرتو. کودک شاد شد و برخاست و آواز
بر آورد که ای کودکان! اکنون مراسمزش مکنید و جواب خود
شنوید: ان ابی خیر من آبائکم و امی خیر من امهاتکم و اختی
خیر من اخواتکم. آنکه مصطفی (ص) دست وی گرفته و به خانه
فاطمه برد گفت یا فاطمه! این فرزند ماست و برادر تو، فاطمه
بر خاست و او را بناخت و خرما پیش وی بنهاد و روغن در سر وی
مالید و جامه دروی پوشید و همچنین وی رابه حجره های مادران
مومنان بگردانید... (کشف الاسرار)

شناختن دنیا: مثل اهل دنیا در مشغولی ایشان به کاردنیا
و فراموش کردن آخرت، چون مثل قومی است که در کشتی
باشند و به جزیره رسیدند، برای قضای حاجت و طهارت بیرون
آمدند و کشتیبانی منادی کرد که هیچکس مبادا که روزگار بسیار
برد و جز به طهارت مشغول شود که کشتی به تعجیل خواهد رفت.
پس ایشان در آن جزیره پراکنده شدند، گروهی که عاقلتر بودند
سبک طهارت کردند و باز آمدند، کشتی فارغ یافتند جایی که
خوشر و موافقت بود بگرفتند و گروهی دیگر در عجایب آن
جزیره عجب بماندند و به نظاره باز ایستادند و در آن شکوفه ها
و مرغان خوش آواز و سنگریزه های منقش و ملون نگریستند،
چون باز آمدند در کشتی هیچ جای فراخ نیافتند، جای تنگ
و تاریک بنشینند و بارهای آن سنگریزه هابر گردن نهادند، و چون
یک دور روز بر آمد آن رنگهای نیکو بگردید و تاریک شد و بویهای
ناخوش از آن آمدن گفت، جای نیافتند که بیندازند پشیمانی
خوردند و بار ورنج آن برگردن میکشیدند، و گروهی دیگر در
عجایب آن جزیره متحیر شدند تا از کشتی دور افتادند و کشتی
برفت، و منادی کشتیبان نشنیدند و در جزیره می بودند تا بعضی
هلاک شدند از گرسنگی و بعضی را سیاح (حیوانات درنده) هلاک
کرد.

آن گروه اول مثل مومنان پرهیز کار است و گروه باز پسین مثل
کافران که خود و خدای راعز و جل و آخرت را فراموش کردند
و همگی خود را به دنیا دادند که «استحبوا الحیوه الدنیاعلی
الآخره» و آن دو گروه میانین مثل عاصیان است که اصل ایمان
نگاه داشتند ولیکن دست از دنیا بنداشتند. گروهی با درویشی
تمتع کردند و گروه یا تمتع نعمت بسیار جمع کردند تا گران بار
شدند. (کیمیای سعادت)

حکایت: آورده اند که حاتم اصم از شاگردان و مریدان شقیق
بلخی بود رحمه الله علیهما، روزی شقیق به وی گفت ای حاتم!
چه مدت است که تو در صحبت منی و سخن من می شنوی؟ گفت
سی و سه سال است. گفت در این مدت چه علم حاصل کرده ای
و چه فایده از من گرفته ای؟ گفت هشت فایده حاصل کرده ام.
شقیق گفت انالله وانا الیه راجعون، ای حاتم من جمله عمر
در سر و کارتو کرده ام و تو رایش از هشت فایده حاصل نشده
است؟ گفت ای شیخ اگر راست خواهی چنین است و بیش از این
نمی خواهم و مرا از علم اینقدر بس است زیرا که مرا یقین است
که خلاص و نجات من در دو جهان در این هشت فایده است.

شقیق گفت ای حاتم بگو که این هشت فایده، خود چیست؟ گفت
فایده اول آنست که در این خلق جان نگاه کردم و دیدم که
هر کسی محبوبی و معشوقی اختیار کرده اند و آن محبوبان
و معشوقان بعضی تامل موت با ایشانند و بعضی تاملت و بعضی
تالب گور، و پس همه از ایشان باز گردند و ایشان را فرداً و وحیداً
باز گذاشتند و هیچ یکی با ایشان در گور نرفت و مونس وی نشد.
پس من اندیشه کردم و با خود گفتم که محبوب آن نیک است که
با محب در گور رود و در گور مونس وی باشد و در قیامت و منازل
آن با وی باشد. پس احتیاط کردم و آن محبوب که این صفت
دارد اعمال صالح باشد. پس من آنرا محبوب خویش ساختم تا بامن
در گور آید و مونس من گردد و چراغ گور من باشد و در منازل
قیامت بامن باشد و هرگز از من نگردد.

شقیق گفت احسنت وزه، یا حاتم نیکوگفتی، فایده دوم بسیار تا
چیست؟ گفت ای استاد فایده دوم آنست که در این خلق نگاه
کردم و دیدم که همه خلق پیروی هوی کردند و بر مراد نفس
رفتند و پس در این آیه اندیشه کردم «و اما من خاف مقام ربی و
نهی النفس عنی الهوی، فان الجنة هی المأوی» و یقین داشتم که
قرآن حق و صدق است، پس به خلاف نفس به درآمدم
و بر مجاهده وی کمر بستم و او را در بوتة مجاهده نهادم و یک
آرزوی وی ندادم تا در طاعت خدای تعالی آرام گرفت.

شقیق گفت بارک الله علیک نیکو کردی، فایده سوم بیار، گفت
ای استاد فایده سیم آنست که در این خلق نگاه کردم و دیدم که
هر کسی سعی ورنجی در این دنیا برده بودند و از این حطام (ریزه
گیاه خشک) دنیا وی چیزی حاصل کرده بودند (صفحه هفتم)

کرونا . افغانستان و جهان

اوضاع در جهان به علت شیوه کرونا نهایت متشنج است ، افغانستان متأسفانه نه تنها خطر ابتلاء ویروس که سقوط اقتصاد و وضع سیاسی با خطر مرگبار طالبانیزم نیز آنرا دریک برههء کم نظیر تاریخش قرارداده است ، درین مورد باید خلاصه بگویم که : امریکا و طالبان بعد از امضای توافق نامهء اخیر اتحاد استراتژییک منطقی را بوجود آوردند که منافع پاکستان،سعودی ،آمارات متحده و قطر با هم گره می خورد ،امریکا به مردم افغانستان اعتماد ندارد ، یگانه و آخرین امید اتحاد با طالبان است که پایگاه های آن کشور را در افغانستان حفظ و امتیاز استخراج معادن را به امریکا واگذار می کنند ، در مقابل طالبان پیش قراول پاکستان بغیر از حمایت امریکا،پاکستان و سه کشور عربی ذکر شده حامی دیگری را در جهان بدست آورده نمی توانند .

طالبان برای نارامی های ایران ، روسیه و چین ، خصوصاً سد راه گسترش پروژه های چین در منطقه ، حمایت جدا سازی ایغور ها از چین و در نهایت زمینه سازی ایجاد دولت بزرگ پشتونی در منطقه، نهضت اسماعیلیان منطقه ، نهضت بلوچ در آینده های نه چندان دور یگانه انتخاب و دلپری امریکاست که برای ایجاد دولت طالبانی از مدتها به این سو فاجعه بار سازی روند انتخابات ، نتایج ناکام و دردسر ساز تشکیل دولت را قصداً مدیریت کردند ، برای تضعیف هرچه بیشتر قوای مسلح هزارملیون دالر کمک خودرا هم متوقف و این ضربه ها برای نابودی کیان دولت و انتقال طالبان دوام دارد (تحلیل گران استراتژیی جهانی در آینده ها رد پای اسرائیل را هم در امر بهره گیری و سرمایه گذاری سیاسی اسرائیل در حیطه مناطق پشتون نشین و اسماعیلیه نشین حدث های دارند)

پاکستان به این خوش است که باز هم مدیریت فعالیت طالبان را با پول های سرشار عرب به عهده می گیرد و سرزمین افغانستان را به قبضه آورده و راه ترانزیت آسیای میانه را فتح کرده و هند. ا از بازی دور می کند ، در مقابل راه های ترانزیتی امریکا را تضمین و هکذا.درین تقسیم غنائم ، کشمیر را به هند واگذارد آنچه پاکستان با این داد و گرفت ها متوجه نیست و یا دم را غنیمت می داند اینست که با بسر رسیدن این پروژه های بالا زمان استفادهء پاکستان هم به سر می رسد وبا تجزیه کاملش دست بالای چین هم از ساحه مقطوع شده و داشتن سلاح اتمی (یک کشور مسلمان) در جهان هم به آنها می رسد! حالآیاییم که از کرونا درجهان چه گپ است؟ تاریخ جهان راباید بعد ازین به عصر قبل ازکروناوعصر بعد ازکرونا فصل بندی کنیم.

در مقاله ها و تبصره های میدیا خواندم که چین بدون هیچ فیریک مرمی در چند روز برنده جنگ جهانی سوم شد و حالاً در جهان از رهگذر اقتصاد و قدرت حرف اول را می زند .

درموردامریکا ازنوشته های داخل امریکا باید نقل قول کنیم : سردبیر روزنامه واشنگتن پست به امریکایی ها اعلام خطر کرده که دردوران بعدازپاندمی کرونا امریکارهبیری دنیارازدست داده و چین این جایگاه معنوی را به دست خواهد آورد.کرونا تاریخ را به قبل و بعد از خود تقسیم خواهد کرد. به عقیده این گروه از آگاهان امر سیاست، رهبری جهانی امریکا یکی از موضوعاتی است که در اثر بحران کرونا به چالش کشیده خواهد شد.

واشنگتن پست؛ این روزنامه امریکا بااشاره به اینکه «یکی ازدلایل افول جایگاه امریکا در سطح جهانی رفتار دولت ترامپ است»، برنده بزرگ این موضوع را چین می داند که در حال استفاده از فرصتی است که شیوع ویروس کرونا برایش مهیا کرده است. که «خود امریکا آنرا به خود تحمیل کرده است.»

ترامپ به هیچ یک از بحران های جهانی تماس نمی گیرد ، از بسیاری قرار داد ها،تعهدات و مسؤولیت های جهانی امریکا را کنار گذاشته و منحیت رئیس دوره ای کشور های جی هفت خودرا کنار کشیده و این وظیفه را از ناچاری رئیس جمهور فرانسه در ارتباط با کشور ها و تنظیم ویدیو کنفرانس ها با سائر رهبران در حال تعامل است ،گروه جی هفت را که خودش رئیس دورای آن است ترک کرده و بهانه می کند که نام کرونا را (ویروس یوهان) نام گذاری کنید ، حتی وظائف آمادگی تدارکاتی مقابله با کرونا را عوض ترامپ ، محمد بن سلمان سعودی پیش می برد ، امریکا بودجهء سازمان صحتی جهان را نیزبه تعلیق آورد ،درحالیکه باید منحیت لیدر جهان بودجهء بزرگی را به آن سازمان تخصیص می داد که درین شرایط رقت بار جهانی در امر وقایه ،تهیه دارو و رفع مشکلات فقیر ترین مردم جهان استفاده می شد ، اگر ثروت و قدرت امریکا در آینده به آسمان هم برسد آیا مردم جهان این نامردی و جفای امریکا را فراموش میکنند ؟ ابتدا ً نه ، ولی اینهمه بهانه گیریها آمادگی برای دعوی أخذ جبران خساره از چین است

چین به ایتالیا وسائرکشور های هم پیمان امریکا کمک رسانی می کند و حاضر به صدور کیست تست ویروس به امریکا شده است. در عمل، اما ترامپ راه را برای «رژیم شی «باز گذاشته که با معرفی خود به عنوان رهبر جدید جهان پا جای پای امریکا بگذارد.

سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی هشدار داد که در ماه های آینده برخی از اقتصادهای بزرگ جهان وارد رکود می شوند و سال ها طول می کشد آسیب اقتصادی کرونا جبران شود.

مورخ و مدیر بنیاد مناسبات بین المللی فرانسه گفت: شیوع گسترده بیماری کرونا در امریکا، فقدان رهبری را در این کشور آشکار کرد. یورونیوز؛ «توماس گومار Thomas Gomart «در گفت و گو با روزنامه «لو موند «فرانسه که روز چهارشنبه منتشر شد، افزود: دونالد ترامپ که درگیر کارزار انتخاباتی است و در خود فرو رفته حتی یک لحظه هم نکوشید نوعی هماهنگی جهانی را در مقابل بحران ناشی از همه گیری کرونا ایجاد کند. برعکس، تا نهایت منطق یکجانبه گرایی خود پیش رفت و مرزهای امریکا را به روی اروپایی ها، آن هم بدون هیچ مشورت و هشدار قبلی بست.

اکنون هم میدیای امریکا به ترامپ می تازند که روزانه کنفرانس مطبوعا تی به پول مالیه دهندگان امریکا برگزار میکند ولی به نقش طیب و یا تبلیغات برای انتخابات و تعریف و تمجید از اجراءت خودش اجندای این کنفرانسهاست، روزنامه هاضماً می افزایندکه:

سیاست ترامپ مناسبات تاریخی اروپا و امریکا را درهم شکست و بعید است که در صورت پیروزی نامزد حزب دموکرات درین انتخابات تغییری درین رویکرد امریکا صورت بپذیرد چرا که امریکا دیگر توان ظاهر شدن به عنوان املت ضروری □ در مناسبات بین المللی را ندارد.

تصمیم جاپان برای خروج سرمایه ها از چین این حرکت مهمی است که فراگیر خواهد شد.(من معتقدم که چینی ها در امر شیوع این آفت بزرگ جهانی مسؤولیت تاریخی دارند).

بلومبرگ: جاپان ۲ میلیارد دالر به شرکت هایش کمک می کند تا تولیدشان را از چین بیرون بکشند. چین دیگر کارخانه دنیا نخواهد بود. نقشه های شوم چین نقش بر آب می شوند.

آیا امریکا و سائر مراجع جهانی برای جبران غرامت و تاوان از کشور مسؤل تکثر این ویروس (انگشت اتهام به چین) آمادگی می گیرند ؟

آیا تطبیق واکسین های قبلی TBتوبرکلوز در بسیاری کشور ها مانع ابتلاء وتلفات ازین ویروس شده است؟ (ملاحظ شود تحلیل دانشمندان که در فیسیوک تفصیل آنرا درج کرده ام) ممکن در افغانستان هم علت آهسته بودن روند ابتلاء ، همین تطبیق سابقهء واکسین توبرکلوز در گذشته به اهالی این کشور خواهد بود

مشکلات اقتصادی پیشرو در جهان :تا کنون بیست نفر سرمایه دار اول جهانی ۷۸ میلیارد دالر خساره کرده اند و این وضع دوم دارد که به کجا خواهد رسید ، گفته می شود که همین حالا در نتیجهء توقف اقتصاد نفوس جهان دو میلیارد و هفتصد ملیون انسان بیکار شده اند ، همین حالا ۲۲ملیون ،امریکائی بیکار شده اند و نرخ رشد اقتصادی امریکا در سه ماه آینده به منفی ۴۰٪خواهد رسید طبق برآورد صندوق بین المللی پول خسارهء اقتصادی امریکا دو برابر سائرین خواهد بود ،همین اکنون جهان بین سه تا پنج تریلیون دالر خساره را متحمل شده است .

راپور ادارهء استراتژیی بانک موتسی پیشی تحلیل مفصلی از بحران اقتصادی کشور های عربی نوشته اند که به اثر کاهش صدور نفت،سقوط قیمت ها ،از دست رفتن ملیارد ها دالر از عواید حج در سعودی ، سقوط عاید از رهگذر جهان گردان در دبی و سایر کشور های منطقه ، سقوط واردات و صادرات به چین و سایر کشور ها و دیگر عوامل رشد منفی اقتصاد این کشور ها را حاکیست ، کشور های عربی ۸۰٪ مواد خوراکی خود را از بیرون وارد می کنند !!، شما همین شرایط را در اروپا ، امریکا و سایر کشور ها ازین نمونه حساب ببرید .

ولی درهمین حال جف بزوس رئیس آمازون با رونق گرفتن فروشات اینترنتی ۱۰۰ هزار کامند جدید استخدام کرد و کنون در صدد استخدام ۷۵هزار نفر دیگر است ودرهمین محشر کرونا ۲۴ ملیارد دالر به سرمایه ۱۳۸ ملیارد دالری او افزوده شد باید مالک آمازون این شعر فارسی را بالای سر خود تعلیق کند که:

زمانه گلشن کی رانمودخراب که گل به جویباردسته دسته میآید

ظاهر شدن نابرابری های اجتماعی:

۷۰٪ مبتلایان کرونا را سیاه پرستان و غیر سفید در امریکا تشکیل می دهد ، درحالیکه کرونا نژاد و رنگ نمی شناسد این کثرت ابتلاء نژادی مرتبط است ازشرایط بهداشتی وامکانات به وقایه و درمان که عمق مشکل نژادی را برای آینده مورد کنکاش قرار خواهد داد.

گو ترش سرمنشی ملل متحد ضمن هشدار دهی جهان از روند خطرات ویروس کرونا از زوال تلاش های بین المللی ،منطقی و محلی درین زمینه اخطار داده واز نفرت پراگنی ،سفیدبرتر پنداری وقصد استفاده از وضعیت در تبعیض خدمات درمانی، مقابله با پناه جویان و آوارگان ، محدودیت آزادی های مدنی و غیره یادآورشد .

آیندهء این ویروس به کجا متوقف خواهد شد ؟

دو نکته را باید ذکر کنیم : دموکرات ها در انتخابات امریکا با مقتضیات و ایجابات ضرورت های اجتماعی مردمان و نظام نویسی بعد ازکروناعرض اندام می کنند(به انتخاب شدن ونشدن شان من کدام نظر ندارم)، دوم اینکه ترامپ و سرمایه داران بزرگ وامپریال کاپیتالیستها به بازشدن کار وبار ورفع قرنطین سخت تپ وتلاش میکنند ولو چند ملیون انسان تلف شود،

در غیر آن سقوط کابینالیزم امر حتمی است و برای حفظ آن قربانی دادن چند ملیون انسان نزدشان بی ارزش تر است .

بیل گیتس یک خیر نامید کننده داشت. به عقیده وی واکسن بیماری COVID-19 تا سپتامبر سال ۲۰۲۱ آماده نخواهد شد و مردم ایالات متحده تا پایان ماه می نمی تواند طرح فاصله گیری اجتماعی را متوقف کنند. این طرح زبان قابل توجهی به اقتصاد این کشور وارد کرده و جدی نگرفتن آن احتمال بدتر شدن اوضاع را به دنبال دارد.او خبر خوب هم می دهد و می گوید جهان پس از بحران کرونا احتمالاً دیگر با بحرانی شبیه به COVID-19 مواجه نخواهد شد، چون این کرونا درس های زیادی به بشر داده و با استفاده از داروهایی که در حال حاضر برای پاسخگویی به بحران کرونا در دست ساخت هستند، می توان در آینده قبل از شیوع گسترده عوامل بیماری زا آنها را کنترل کرد.

اهمیت نفت وپول : طلائئ سیاه که برای تصاحب و ملکیت به آن خون سرخ میلیونها انسان ریخته شد، امروز مادهء بی اهمیت است ! تبادلء پول نقد عامل انتقال ویروس است ، آیا جهان صرف کارت های اعتباری را منحصر به بازار جهان رسمیت می بخشد و پول ها کاغذ ناچل خواهد شد؟ (مانند استرالیا) سرمایه داران بزرک چه تمتعی از ثروت خودخواهندبرد؟ سلیبرتیهاو شخصیت های معروف بازهم همان اهمیت راخواهندداشت یا نرس وداکتر و کارکنان خدمات عام المنفعه مردمی بااهمیت شمرده شده و تکریم خواهند یافت ؟

آیا مشکلات مالی اروپا،تفاوت های اقتصادی اروپا اتحادیهء اروپا را حفظ و یا با وصف طرح جدید پلان مارشال اروپائی جریان گسستن قویتر از اتحاد است؟ درحالیکه پیشبینی شده که در آمد نا خالص اروپا در سال ۲۰۲۰ کسر ۹٪ خواهد داشت .

جنگ علم و خرافات : آیا پیروی از خرافات جای خود را به تعقل،دانش وعلم خواهدداد؟ بگفته عبدالکریم سروش (دعا ابزار بندگیست نه ابزار زندگی) وخداوند بسیاری ازامور هستی را به عقل بشر و اسباب و علل ان سپرده است.

طبیعت و کرونا: تا کنون طبیعت بزرگترین منفعت ازین ویروس برده است، چند ملیون تن کثافات و پلاستیک به دریا ها و ابحار پرتاب داده نشده،هوای بزرگترین شهرهاولین بارپاک ومصفابرای استنشاق مظاهرشده کاهش بیش از ۳۰۰ ملیون متر مکعب گازهای گلخانه ای ودی اکسید کربن.پایین آمدن دمای کر ه زمین در آینده ء نزدیک را سبب می شود از انکشاف و تغییرات تکنالوژی ،نحوه تعلیم و دانش آموزی ، سرنوشت کتاب مجلد و کتاب های الکترونیک ، کار از راه دور، و سایر روابط انسانی و اجتماعی ولو مشکلات کرونا مرفوع هم شود میراث جدیدی در جهان پایه گذاری شد، هالیود امریکا از ورشکستگی قریب الوقوع خبر می دهد .

تغیرات جیوپولیتیکی ویروس کرونا : دلم می شود که در زمینه (البته مستند به نظریات اهل پژوهش) مطالب زیادی را خدمت خوانندگان شما تقدیم کنم ، ولی طولانی شدن موضوع را متوجه شدم و خود هم دانش لازمی در زمینه ندارم ،، صرف همین قدر یاد آور می شوم چنانچه شما هم بهتر میدانید که جهان سیاست،اقتصاد ، روابط اجتماعی ،سیاست های اجتماعی کشور ها آن چیزی نخواهد بود که قبل برین رائج بود ، در بهترین احوال عدم مؤثریت تولید سلاح های متعارف، بی فایده بودن اشغال کشور های دیگر ، هر نوع توسعه و استحکامات نظامی،چندین قطبی شدن جهان ، توجه و استحکام پروگرامهای مفید بهداشت،وحتی روند و سرعت گیری ایجاد دولت های رفاه از ملزومات آینده خواهد بود .

اینکه کشور ها با اتحاد نظر و همبستگی و تساند به اهداف آینده روان خواهند شد ویا همان شعار (اول کشور خودم) و جدا از همبستگی بین المللی هر کشور براه خود روان می شوند ، این چیزست که آینده نشانگر آن خواهد بود و به قول پروفیسر نوام چاومسکی بی بند و باری های موجود حاصل شرایط نفولبرالیزم است که فرادی ختم این ویروس ، جهان بطرف تحکیم رژیم های توامیت خواه ،انحصار آزادی های اتباع و یا به اثر مقاومت مردم امکان ایجاد نظامهای رفاه و مردم محور را سبب خواهد شد ؟ گرچه جرمی کوربین انگلیسی و برنی سندر امریکائی از صحنهء سیاسی رفتند ، آیا نظریاتشان باز می گردد ؟

یک مطلب دیگر : از تجربهء شخصی خود و شنیدن درد دل دیگران و تحقیقات موسسهء (ایس موری) در آینده ها تا رفع کلی اثرات این ویروس منتظر امراض روانی ، انزایستی هاو استرس بیش از حد اکثریت مردمان جهان باید بود که در نتیجهء گیر ماندن قرنطین در خانه،نبود شرایط تفریح و تفرج،بیکاری ، خرابی وضع اقتصاد و تشویش در مورد زندگی آینده دامنگیر همه خواهد شد .

دانشگاه هاروارد تخمین زده است که در شرایط کنونی شاید فاصله گیری وقرنطین تاسال۲۰۲۲ دوام کند. خلاصه منتظرانقلابات اجتماعی، نحوهء عبادات ،انقلاب بزرگ دیجیتالی، سقوط رژیمهای ناکارآمد وظهور ناسیونالیزم وملیگرائی دولتهای اقتدارگرا چیزست که در آفق فرادی بعد از کرونا مشاهده میشود.(صفحهٔ هفتم)

حالا که کلمهٔ او کی یاد شد لازم است تاریخچهٔ او کی بیان شود که بریتانیای کبیر زمانی که بیشتردرکشورگشایی بود وتلفات سرسام آورهم متقبل میشد، لهادرهرجنگی ازجنگهای که براه انداخته بودند، برای اینکه ازکشتگان شان درجهات واقف شوند راپوری که داده میشد بطورمثال ازصدکشته تذکاری دادند ۱۰۰-kill یا از ۵۰-kill آنرا مخفف ساختند مخفف kکیل و او کی okمخفف که خلاصه شده بود. مثلا ۷۰k یعنی هفتادکشته یانه ۹kکشته. یک روز که طالع شان بر کرده بود هیچ کشته نداشتند گزارشها رسید که okاو کی یعنی صفر وچون درزبان انگلیسی به صفر او (0)میگویند از آن به بعدمروج گردیدکه هر موضوع ومزا که بر وفق مرادشان باشدیا نباشد وممانعت ومشکل موجودنبود ونباشد میگویند okاو کی، وبه این ترتیب قابل استفاده درادبیات روزمرهٔ شان قرارگرفت.

اما اگر به سخنگویان دولت وحکومت ماکه لایتناهی وبیشماراین کلمه را بکارمیرند گفته شود او کی، لاجرم اکثریت خواهندگفت که نو او کی no okیا نات او کی not okآنانکه خودرا عقل کل میگیرند وازهردوغ پاغنده می زنند ومگس هردوغ وپارا ازحدود وثغورکاری زیادترمیکشند، وبه هر کس وهرچیزی جواب میدهند، بهتر است به اصل کارخود بپردازندوبرای رئیس ارگ متن های خوب بدون نقص برای سخنرانی های مهمش تهیه نمایند و حتی خوانش شعرا اگر میدانند تقیح نمایند ویاززبان شناسی مددگیرند تا رئیس جمهوردرمغالطه فرارنگیرد، وتا نگوید از کشات او کشات آسیا، که دراصل ازگشاد اوگشادآسیا باشد، یامام حسین رانواسه خداوندنخواند وبسا گپ هاوموضوعات که عجالتا روی آن مکت نینمایم.

تازه بازهم جناب شان درکنفرانسی درارگ پارا ازگلیم معلوماتی بیرون کشیده وگویا منحیت مدرس لکچر راشروع نموده ازمین وزمان آسمان و ریسمان سخن گفتند وهمان که تو کارزمین را نکو ساختی که اکنون به آسمان بپرداختی؟! واینبار خشم وانزجراترکتبیاران عزیزرافراهم ساخت. طوریکه معاون اولش جنرال دوستم باصدوراعلامیهٔ رسمی واکنش تندنشان داد. هرچندارگ وسخنگویان بیشمار وغیرحرفوی اظهارات اخیرغنی احمدزی را(غیرعمدی) خواندند، اما جامعهٔ مدنی ومجمع ترک تباران ووحدت ملی خواهان واقعی به ارگ نشینان توصیه نمودند که بافت اقوام باهم برادر و برابر بایدحرمت ونهایت تمکین داشته باشد.

چنانچه جنرال دوستم دراعلامیه گفتند که باید ازتکراراعمال عقده مندانه وناشیانه درآینده جلوگیری شود. افغانستان درشرایط حساس قرارداردوسی همگان بایدبراین استوارباشد که اسباب وحدت وهمبستگی رافراهم کندوبه ارزشهای ملی احترام داشته باشد. سخنان اخیررئیس جمهور غنی احمدزی در موردامیر تیمورگورگانی بیانگرنیات نیک وی دموردکتمله وسیع وعظیم مردم افغانستان وجهان اسلام نیست که غنی احمدزی درهمایش گفتمان تاریخ فرهنگ وهویت ملی درارگ دایرکرد وشماری ازاستادان، متعلمین ومحصلین وجوانان نهادهای آموزشی وعلمی درآن حضورداشتند وباردیگر درُ سفتند! (لطیفهٔ است که همه شخصی نزدداکتررفت، چون مریضی های متعدد داشت از همه شکایت داشت که بادی از وی بلند شد، به داکترگفت کدامش را زودتر بگویم یکی اش همی اس!)

غنی احمدزی گفت سیستم آبیاری افغانستان مرکزی وغزنی را علاءالدین جهانسوز ازین برد، سیستم آبیاری شمال وشمال شرق را چنگیزخان از بین برد وسیستم آبیاری هلمند وسیستان وفره را تیمورلنگ نابودکرد. روی همین نکته معاون اول ریاست جمهوری مجمع بزرگی ازنهادهای مدنی اظهارات احمدزی راتوهین آمیز وبویژه ترک تباران عنوان کردندوتقبیح نمودند. اظهارات احمدزی درهمان نشست تافی الحال باکنش ها وواکنش های مختلف ومتعددی درقبال داشته هرچندخواهان معذرت خواهی احمدزی شدولی ارگ با اعلامیهٔ که درآن سخنرانی بصورت غیرعمدی از امیر تیمورگورگان بالقب غیرمتعارف یادشده وباعث جریحه دارشدن احساسات پیروان وحامیان این سیاستمدار نامدارشده است، رئیس جمهورغنی متاثر است!

شاعری فرموده :

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی

صوفی نشود صافی تا در نکشد جامی

لین بوتانگ زبان شناس وفیلسوف ومحقق چینیایی درمورد اهمیت سفرابراز نموده هیچ کس متوجه زیبایی های سفرهایش نمی شود تاهنگامی که به خانه برگردد وسرش را بربالش قبلی وآشنایش قراربدهد . بقول مارتین بوبر هر سفردنیایی ازناشناخته هارا درخودش دارد که مسافران از آن بیخبراند. بقول بنیامین دیسرایلی سفر ازما انسان های صبورتتری میسازد، اما جنگ مارابه نابودی سوق میدهدوفرهنگ کشی مارا به جهالت رهنمون می شود.

امروز۴۷سال بعدبریتانیا ازاتحادیهٔ اروپا(صفحهٔ هفتم)

بروی ومارابه حال خودمان بگذاروی، دیگرتلازم نیست که ماازمملکت برآیم، برآمدن مابخاطر بودن تواینجاست. گاهی ایجاب می کندیکنفر یاچندنفر بروند تا یک کشورویک ملت مسیرثابت خودرا دریابند و آزاد وآباد گردند .

دکتاتورهایی که آمدند اگر می رفتند وکله شخی نمیکردند کشوررا به پرتگاه سقوط رهنمون نمی شدند، اینقدر سیل مهاجران صورت نمی گرفت، اینقدر فرارمغز هانمی شد واینهمه قحط الرجال نمی بود وحکومتداری به شرکت سهامی وجمهوریت به دولت یازنه هاوخسبره هاتعویض نمی گردید. ازکلان های دولتی وحکومتی نه کسی میرودونه هم کسی ازبین میرود وکودهای ۹۰ و۹۱شان روزتاروز تقویت میگردد، وچکروبرآمدن شان بدون تفتیش وبازرسی برای شاپنگ تادویی است، اما این جوانان است که درحین فراراز کشوردرآبهای مدیترانه غرق میشوند ودرداخل هم هرروز باخطرات انفجار و انتحار مواجه اند. شایان تذکراست که بخاطر بزرگداشت ازهنرمندبزرگ تیاتروسینمای کشور و یک عمرخدمت صادقانهٔ محترم عزیزالله هدف، هنرمندان برجستهٔ کشوردر جرمنی جنابان قیام صاحب وسدوزی صاحب بادیدر هنرمندان وفرهنگیان گرامی محفل بزرگ قدردانی ازکارها وخدمات اضافه ازینم قرن استاد هدف را درشروع همین سال گرفته بودند که جمع غفیری ازدوستانان علم وفرهنگ اشتراک نموده بودند. به همین ترتیب دراول فبروری هم انجمن محترم سنایی غزنوی در کالیفورنیا از محترمه استادمهوش طی محفلی قدردانی نمودند که برای هردوی شان شبهای بیادماندنی رارقم زدند، تادیگری کسی نکویددرفغانستان مردهٔ بد و زندهٔ خوب بقول شهیدمیوندوال وجودندارد!

چندی پیش انجمن محترم جامی در کالیفورنیا جنوبی چندین محفل بزرگ داشت ازهنرمندان وفرهنگیان کشوردرزمان حیات شان داشتند، هکذا انجمن گرامی شام عرفان درورجینیا نیز از بزرگان فرهنگ وورزش معارف وهنر کشوراز بزرگانی تجلیل نمودند که من درچندمحفل انجمن شام عرفان افتخار سخنرانی، دعوت واشتراک داشته ام، وبیحت یک مطبوعاتی سابقه دار ازهمهٔ شان ممنون ومشکورم .

بهرحال شروع سال جدید میلادی هنرمندان پرآوازه کشورمرحومان محمد آصف جلالی معروف به کاکا آصف، زنده یا سمیع تاج زی واستادحنیف وقادر فرخ، وبعد مرحوم جوانشیرحیدری رئیس اتحادیهٔ سینماگران که همهٔ شان خدمات شایان را درعرصهٔ فرهنگ وهنرانجام داده اند وکارنامه های شان درج اوراق زرین آرشیف کشورمیباشد. به نمایندگی ازاتحادیهٔ سراسری هنرمندان افغانستان وفات این شخصیتهای بزرگ هنروفرهنگ رابه جامعهٔ فرهنگی مان وخانواده های گرامی شان وكافهٔ ملت تسلیت می گویم .

قدردتمی ازهنرمندان وخادمین علم ومعارف دین بزرگ بالای همه است، که منحیت یک رسالت بایدانجام داد. قشری معزز که همه تخم های مرغهای شان را درسببفرهنگ وهنرومطبوعات گذاشتند. وهنوزهم به مثابهٔ قشری درحاشیه قراردارند. هنرمندان عزیزبعضی مریضم اندچون جنابان هدف، ستارجفایی، احمدشاه علم، روشنی، خانم مزیده سرور وخانم حمیده عبدالله، استادوهاب مددی. والحمدلله آنانی که ازنعمت صحبت بهرمند اندودرخدمت هنروفرهنگ قراردارند ازجمله دوست گرامی ام استادامان اشکریز، که درحصهٔ برنامه های تلویزیونی من، دریچهٔ سخن وکارمطبوعاتی ام نیزلطف دارند یادکردم که خداوندبزرگ سلامتی کامل برای همهٔ شان ارزانی فرماید.

یکی دیگر ازهنرمندان قدیمی دیگرمان آقای عبدالاحمد خاکساراست که اضافه ازسه دهه درعرصهٔ سینما وتیاتر مصروف کاروخدمت است وهنوزهم در کابل است، وبه رادیوتلویزیون ملی کارمینماید. هنوزهم که دیده میشود باعلاقه به کارش بابایسکل قراضه اش سرکارمیرود. استادگل زمان که خداوند صحتمندی نصیب نماید ازفرط مضیقهٔ اقتصادی دربرنامهٔ تلویزیونی زنده گریست . امانی هنرمندمشهوردیگر سالهاست دربستریبیماری قراردرد، وزارت اطلاعات وفرهنگ که وزارت کلیدی دربسا کشورهاپنداشته میشود اکنون با سهمیه بندی های شرکای قدرت به وزارت درجه سوم مبدل شده وکار و فعالیتش معلوم ومحسوس نیست، باچهارمعین ویک وزیر وزیره یاسرپرست که نه استیضاح میشودنه هم ازاجرات کاریش راپوری دیده نمیشود، شورای ملی هم آنان رابحال خودشان گذاشته است.

رادیوتلویزیون ملی نیزهیچگونه ابتکارعملی درسالهای پسین نداشته ودر سبک وثبت ونشرومیتود کاری واسلوب نشراتی شان چندان تغییروتبدیلی محسوس نیست. وقتی هم راجع به خود وجموداقدامات کاری این وزارت درشورا یاد میشودکه بایدبررسی گردد، گفته اند که کار این وزارت وزراعت OK است!!

مشتاق احمد کریم نوری وستن ریچ ، کالیفورنیا
پاسداشت زبان مادری وحرمت فرهنگ ها
موردتاکید وتایید ملل متحد ویونسکو

شمارهٔ ۱۲۵ این سلسله مقالات که درماه اپریل خدمت خوانندگان گرانمایهٔ جریدهٔ وزین امید قرارمیگیرد، از اپریل فول April Foolآغازمی نمایم. به اصطلاح عوام میگویند سرش خورد، ویاجافتاد یاکارگرافتاد، اماغربی ها آنرا (روزساده ها) یا (روزاحق ها) می نامند. ملیونها نفر درروزاول اپریل بادروغ های خودساخته وپرداخته میخواهند یکدیگرا گول بزنند، یابازی بدهند و سرکسی که خورد وبخورد، آنراخوشباور یعنی کسی که سرعقلش احساساتش غالب است، یازاو هم کرده پایین ترمیگویند فلانی رااحق ساختیم...

اماگاهگاهی شوخی، مزاح یا اپریل فولگری هاهم از منتهای خيله گریها یا مزاح، مزاق کلهٔ زاغ میشود، کپها وسخنهای ساخته وپرداخته میشود که باعث شوک عصبی وروانی وحتی حملهٔ قلبی میگردد. بهرحال باید تذکار داد که سرخ این اپریل فول ازروم باستان منشأگرفته، درمتون تاریخی آمده که پاپ گریگوری ۱۳درسال ۱۵۸۲ برای جاگزینی تقویم ژولین باتقویم گریگوری اقدام نمود. پاپ گریگوری شروع سال جدیدمیلادی رااز اخیرماه مارچ و شروع اپریل به اول جنوری تعویض نمود، مگر بعد دیده شد که برحسب عادات قلبی بعضیهابدون توجه ودقت لازم یازسر شق وخیره سری عادت یا یکدنگی به این تعویض جدیدبازهم دراول اپریل سال نوشانرا تجلیل می نمودند.

حتی رسانه های مشهور ومعتبرجهانی هم ازدروغ یاشوخی های اپریل فول با نشرخبرهای دروغ راساخته وپرداخته همچوخبرو گزارش نشرمینمایند که یکی ازجمله خبری بود درسال ۱۹۵۰ ازطرف گزارشگاه خبری هالندکه بانشر خبروگزارش که گویا برج پیزه فروغلتیده، که جافتاده وبسیاری راگول زده و بعضی راشوکه نمود.

هرچنددرغرب زمین باین روش ومنش ونوع شوخی می پردازند گویا یدطولا دارد، اما دراین اواخرباآمدن تکنالوژی معلوماتی دربساکشورها رواج یافته و بیشترینه هم فریب همچودروغ هارامی خورند!وقصه هاودروغهایی رامیسازند و میبافند ازهرقبیل تغییررژیم ها، جایجایی ایوزیونها درکابینه ها حتی از نام بردن خارجی ها در ترکی دولتها...وبلاخره ازرسوم وعنعنات، نامزی هاو عروسپها و فسخ شدن معامله هاوعقدها وطلاقها ونکاحها و... اما بدترینش استفاده ازاپریل فول درکشورهاومحلات است که این موضوع تازه باآمدن فضای دیجیتالی وارد فرهنگ شان شده وقبلا رواج نبود، وحتی همین حالهم دربین مردم که نسلهای قدیمی تراند باین موضوع بلدنسی باشند.

این اپریل فولها درجاهای نو موردتجربه قرارمیگیرد زودجامی افتد وکارگر واقع میشود که حتی بعضی هاراتاسرحد سخته قلبی ومرز جنون وضعف و بی حالی نیزکشانده، خبرهایی همچو فلانی دوست رامرض لاعلاج گرفته، یک زنده رامرده انداختن باطلاق ونکاح... به کرات ومرات دیده میشود. مثلی که درفضای مجازی شخصی مینویسد که یک عضو خانوادهٔ شان فوت کرده، اکثر ناخوانده آنرا لایک میکنند! کسی توضیحات میدهد که فلانی مریض است بعضی ناخوانده کامنت میگذازند![!] به همین خاطر هنرمندعزیزمرتضی بايقرا میگفت اول بخوان بعد امضاکن![!] اما شیرآغا حاجی کامران بود که میگفت نه اول امضا میکنم و بعدمی خوانم![!]

بهرحال میگویند باهرچه بازی باریش بابه هم بازی؟! حتی دردنیای مجازی هم ازین نوع دروغهای شاخدار وهیبت ناک وبدون توجه به عواقب آن مبادرت می ورزند اما اینکه اگر ناحق نشرشود که طیارهٔ رئیس جمهورسقوط کرد این یک اپریل فول بامزه نیست، اما اگر گفته شود که نتیجهٔ فقه و خالص انتخابات بایومتریک اعلام میشود، افغانستان به بحروصل شد وگریدور و دهلیز هوایی جورشد و یا حساب میدهم وحساب میگیریم همه گپهای هوایی اند که بدون اپریل فول (ماه پُر) سال فول جوک بیش نمی باشد.

همه ازکود ۹۰ و۹۱ واقف اند واز نوعیت حکومت خواهر خوانده ها یاسیستم را که میگفتند مابرنامه داریم وسیستم ایجاد میکنیم، براستی ایجاد کردند سیستم یک سرپرست وزیر دیگر سرپرست وزیرا معرفی میکنند(حکومت باجه ها وخسبره هاودامادان وخاشنه ها) با اپریل فول وبدون آن فولی وگندی اند که دارند میدانند.

بهرحال ازاپریل فول که بگذریم، (آریش هونکر) رهبر سابق آلمان شرق در زمان جنگ سردوقتی می بیند که صف های بسیار طولانی از مردم صف بسته اند اوهم میرود به صف می ایستدواز کسی میپرسد که صفوف برای چیست؟ جواب میشوند که مردم میخواهند اینجارا رها کنند وبرآیند. درین وقت که مردم متوجه اومیشوند، آهسته آهسته ازصفوف برآمده وپراکنده میشوند. از کسی میپرسد پس حالا چرا صفوف کم شده میروند، جواب شنیدوقتی تو در این صف هستی و می خواهی از اینجا

چرا عبدالله «افغان» نماینده تاجیک ها؟

یکی از پرسش های مهم و سوال برانگیز این است که آیا عبدالله عبدالله از لحاظ قومیت یک تاجیک است و یا اینکه یک پشتون در لباس تاجیک؟ و مهمتر از آن چرا به نمایندگی از قوم تاجیک در کارزار های انتخاباتی از آرای این قوم سود جویی میکند؟

قرار اطلاعاتی که ما در خصوص وی داریم، او پسر غلام محی الدین خان زمیانی از ولایت قندهار است. پدرش سناتور انتصابی ولایت قندهار در دور آخر پارلمان دولت ظاهر شاه بوده که قبل از آن هم قریب به چهل سال را در بار سلطنت خدمت کرده است. عبدالله تحصیلات ابتدایی اش را در مکاتب قندهار سپری نموده و بعدا تحصیلات متوسطه و عالی اش را در کابل به پایان رسانیده است.

عبدالله اصالتا از پشتون های قندهاری است و روابط خویشاوندی و قرابت نزدیک با تاجیک های پنجشیر دارد. مادرش از پنجشیر و دو همشیره اش با پنجشیری ها ازدواج کرده اند. خویشاوندی میان اقوام مختلف یک امر طبیعی و شرعی است که یکی از نمونه های بارز آنرا عقد نکاح سه دختر گلبدین به سه تن از جوانان پنجشیری عضو حزب اسلامی برشمرد.

ازدواج ها در افغانستان در تغییر قومیت رولی ندارند. همانطوریکه داماد های گلبدین پنجشیری الاصل تاجیک اند؛ عبدالله هم یک قندهاری پشتون است و با این پیوندها نباید اجازه داد که او با ترفندهای قومی و استخباراتی خود را نماینده تاجیک ها خطاب کند و بالاتر از آن خود را به نمایندگی از تاجیک ها در کارزار انتخابات ریاست جمهوری کاندید و از آرای شان به نفع قومش (پشتون) سود ببرد!

عبدالله پشتون قندهاری هیچ ارتباطی به تنظیمهای جهادی ندارد و فقط در حد دستیار احمدشاه مسعود ایفای وظیفه میکرد. برای احمدشاه مسعود رشد دادن عبدالله قندهاری با اهمیت بود که با حفظ آن می توانست به رقبایش نشان دهد که رهبری جبهه او متشکل از اقوام مختلف است، با آنکه صدها تن از جوانان مجاهد پشتون در صفوف جبهات او همراه با دیگر برادران شان مصروف جهاد و مبارزه بودند.

من شخصا انسان متعصب و قومگرا نیستم و میخواهم که همه اقوام افغانستان اعم از تاجیک، پشتون، هزاره، ازبک، ایماق، عرب، نورستانی، پشه ای... همه بعنوان انسان و مسلمان تحت شعار لا اله الا الله محمدا رسول الله بدون تبعیض و حق تلفی کنار هم همچون دو برادر یا یک فامیل زندگی باهمی داشته باشند و حکام و زمامداران شان به اساس آرای اکثریت مردم انتخاب و با در نظر داشت عدالت اسلامی خدمت گار مردم شان قرار گیرند، دوام زمامداری را موروثی و تک قومی نسازند و همه مردم را شریک نظام بدانند. متاسفانه در عمر نیم قرنه خود که نظامهای متعددی را تجربه کرده ام هیچ حکمران و فرمان روای را سراغ ندارم که به اساس آرای مردم روی صحنه آمده باشد، همه با انتصاب و پرتاب قدرت های بیگانه انهم از یک قوم خاص (پشتون) روی صحنه آورده شده اند.

چهره های انگشت شماری که از بطن مردم شان بخاطر درهم شکستن غل و زنجیر بی عدالتی ها، ظهور کردند؛ اما بخاطر استقلالیت، عدم وابستگی و نرفتن شان زیر یوغ اسارت قدرت های بیگانه در کوتاه ترین فرصت های زمانی حذف فیزیکی شدند که نمونه بارز انرا میتوان پروفیسور برهان الدین ربانی رییس جمهور و احمد شاه مسعود وزیر دفاع اسبق کشور یادآور شد.

اصل موضوع نمایندگی عبدالله پشتون قندهاری و نمایندگی آن از قوم بزرگ تاجیک است. در حالیکه تاجیک ها شخصیت های بزرگی را در تاریخ جدید و کهن این سرزمین به ارث داشته و دارند. البته این یک معمای است که من تا هنوز نمیدانم.

عبدالله بارها گفته که من یک پشتون و به افغان بودم افتخار می کنم و این درست در حالی است که او از احساسات پاک مردم در مورد توزیع تذکره الکترونیکی و درج کلمه «افغان» استفاده سوء و افزاری علیه رقیب انتخاباتی اش غنی می نمود در حالیکه که خودش در یک مصاحبه شبکه تلویزیونی افغانهای مقیم خارج در جواب سوالی که آیا شما افغان هستید و یا درج آن در تذکره موافق هستید؟ و اگر هستید چرا از کسانی که در برابر اجرای این پروژه قرار دارند تکیه زده اید؟ جوابش همین بود که من افغان هستم و به افغان (پشتون) بودنم افتخار می کنم!

اگر به کارنامه های مختصر عبدالله پشتون قندهاری که خود را نماینده بلا منازعه تاجیک ها قلمداد کرده و عملا رهبری را به دست گرفته نظر اندازید خواهید دانست که او همان طرز فکر و ایده دار در که خلیلزاد دارد، هیچ تفاوتی میان عبدالله و دیگر رهبران پشتون دیده نمی شود.

داستان هایی از گلستان سعدی (رح)

درویشی مستجاب الدعوه در بغداد پدید آمد حجاج یوسف را خبر کردند بخواندش و گفت دعای خیری بر من کن. گفت خدا یا جانش بستان گفت از بهر خدای این چه دعاست گفت این دعای خیر است ترا و جمله مسلمانان را!

ای زبردست زبردست آزار گرم تا کی بماند این بازار به چه کار آیدت جهانداری مردنت به که مردم آزاری امید: منتظریم مستجاب الدعوه در کابل پدید آید واحمدزی رادعایی چنین بکنند! گرچه لست قابل دعابه این یکی مختص نخواهد بود!

– یکی از بندگان عمرولیت گریخته بود. کسان در عقبش برفتند و باز آوردند و زبراباوی غرضی بوداشارت به کشتن فرمود تادگر بندگان چنین فعل روا ندارند. بنده پیش عمرو سر بر زمین نهاد و گفت:

هر چه رود بر سرم چون تو پسندی رواست بنده چه دعوی کند حکم خداوند راست

اما به موجب آن که پرورده نعمت این خاندانم، نخواهم که در قیامت به خون من گرفتار آیی. اجازت فرمای تا وزیر را بکشم آنکه به قصاص او بفرمای خون مرا ریختن تا به حق کشته باشی. ملک را خنده گرفت. وزیر را گفت: چه مصلحت می بینی؟ گفت: ای خداوند جهان! از بهر خدای این شوخ دیده را به صدقات گور پدر آزاد کن تا مرا در بلایی نیفکند. گناه از من است و قول حکما معتبر که گفته اند:

چو کردی با کلوخ انداز بیکار سر خود را به نادانی شکستی چو تیر انداختی بروی دشمن چنین دان کاندرا آماجش نشستی

شما در انتخابات ریاست جمهور ۲۰۱۴ دیدید که ثلث آراء در واقع با خود داشت قصدا آنرا به رقبایش ظاهر تسلیم نمود و خود مامور معاش بگیر آن شد. اینبار عین آن در حال تکرار شدن است، غنی با گذشت هر روز قویتر میشود در حالیکه عبدالله در حالت انفعالی، خنثی و غیر فعال بسر میبرد.

عبدالله با این کارنامه هایش نمی تواند به چشم مردم خاک بپاشد و خود را چهره مدافع و رهبر تاجیکان بداند، او از اجلاس بن گرفته تا امروز در معادلات سیای در لباس خودی علیه قوم تاجیک، ازبیک و هزاره قرار گرفته و از حق مسلم آنها در دو دور پیروزی ریاست جمهوری به نفع پشتون ها کنار رفته است. عبدالله پشتون روابط نزدیک و تنگاتنگی با خلیلزاد دارد و از ان طریق توانسته است با دریافت پول بی حساب در از هم پاشانی سازمان جمعیت که بیگانه حزب پر قدرت و سراسری در افغانستان است و از پشتیبانی اکثریت تاجیکان برخوردار میباشد، به توفیقات دست یابد. امروزه دیده میشود که جمعیت به چندین بخش قسمت شده است و بهره وری همه بخش ها به دامن عبدالله ریخته که همانا گرفتن سیادت تاجیک ها و سپردن حق شان به پشتون های هم تبارش.

بر تاجیکهاست که با بازنگری عمیق در تعاملات سیاسی و اجتماعی از میان خود برگزیده ای انتخاب کنند تا حقوق مردم شان بعد ازین به معامله گرفته نشود. (شمس، سایت اطلاع رسانی افغانستان)

پسداشت زبان مادری ...

بیرون میشود و با خروجش که سه صدراعظم تعویض گردید، از اتحادیه اروپا یک قدرت اقتصادی ۱۵ تا ۲۰ فیصد جمعیت و نفوس و بالاخره یک قدرت مهم نظامی از بدنه اروپا جدا میشود. در جنگهای که انگریزها و نازیها براه انداخته بودند و خود اروپا از آن سخت آسیب پذیر شده بود، نامه سربازی که به قوماندانش نوشت که دیگر جنگ نخواهد کرد و اسلحه اش را هم زیر خاک نمود، گفته بودند بخاطر ترس و هراس و نه هم بخاطر مرگ و حتی نه بخاطر همسر و اولادش نبوده بلکه به این خاطر گفته وقتی یک سرباز دشمن را کشتیم با داستان خود، دیدم کف دستش نامه از دختر کوچکش خون آلود بود که نوشته بود پدر جان از روزی که تهاجم گذاشتی و رفتی هر روز از بام تاشام منتظر آمدن تو هستم. بخدا اگر این بار آمدی دیگر هرگز نمیگذارم به جبهه جنگ بروی، وقتی به مرخصی آمدی دیگر نمی گذارم. سرباز میگوید من کسی را کشتیم که فرزندش برای همیشه چشم براه خواهد ماند و منتظر در منتظر. بلی!

دو رهبر خفته بروی دوبرستر دو عسکر خسته در بین دوسنگر دور هربر پشت میز صلح خندان دو بیرق بر سر گوردو عسکر

(سمیع حامد)

من این نوشته این بخش سلسله مقالات را برای دوبررگوار صادق، متین و وفا دار به ارزشهای وحدت ملی واز تبار عدالت خواهان اهدامی نمایم. دو دوست گرانباه شخصیت های گرامی و مهربان، دو قاضی ارزشمند و دانشمند از خدام صادق، خداپرست کشور که آرزو و امید شان خدمت به وطن و وطنداران است: فضیلت مآب قاضی صالح و فضیلت مآب قاضی صاحب لودین. قاضی صاحب صالح و قاضی صاحب لودین که از بارگاه الهی طول عمر و سلامتی کامل شان را تنها می نمایم.

گانندی گفته انعکاس چیزی باش که میخواهی در دیگران ببینی، اگر عشق می خواهی عشق بورز، اگر صداقت می خواهی راستگو باش، اگر احترام می خواهی احترام بگذار و اگر حق می خواهی به عدالت چنگ بز! (ادامه دارد)

شرح اشتراک هفته نامه امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰ دالر - یکسال (۸۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر = یکسال (۹۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه (۵۰) دالر - یکسال (۱۰۰) دالر

Omaid Weekly

12286 Ashmont Ct #202

Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel/Fax : (703) 491-6321

Email: mkqawi471@gmail.com

نثر پیشینیان ...

ویدان خرم و شادمانه بودند که مگر چیزی حاصل کرده اند، پس من در این آیه تأمل کردم که «ما عندکم ینفذ و ما عندالله باق» پس محصولی که از دنیا اندوخته بودم در راه خدای تعالی نهادم و به درویشان اثار کردم و به ودیعت به خدای سپردم تا در حضرت حق سبحانه و تعالی باقی باشد و توشه و زاد و بدرقه راه آخرت باشد.

شقیق گفت بارک الله یا حاتم نکو کردی و نیکوگفتی فایده چهارم بگو تاجیست؟ گفت ای شیخ فایده چهارم آنست که در خلق جهان نگاه کردم و قومی را دیدم که پنداشتند که شرف و عزت آدمی و بزرگواری شخص در کثرت اقوام و عشایر است تا لاجرم قومی بدین افتخار و مباهات کردند و قومی پنداشتند که شرف و بزرگواری در خشم راندن و زدن و کشتن و خون ریختن است ویدان افتخار و مباهات کردند. و قومی پنداشتند که شرف آدمی در اتلاف مال و تبذیر است، پس بدان افتخار و مباهات کردند. پس من در این آیه تأمل کردم که «ان اکرمکم عندالله اتقکم» پس تقوی اختیار کردم در حضرت حق تعالی از جمله گرامیان باشم.

شقیق گفت احسن یا حاتم! نکوگفتی، فایده پنجم بگو. گفت ای استاد فایده پنجم آنست که در خلق نگاه کردم و دیدم که هر قومی یکدیگر را نکوهش می کردند، چون دیدم همه از حسد بود که بر یکدیگر می بردند و سب ماه و جاه و علم، پس من در این آیه تأمل کردم که «نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیوه الدنیا» پس دانستم که این قسمت درازل رفته است و کس را در این اختیاری نیست، پس بر کس حسد نبردم و به قسمت خدای تعالی راضی گشتم و با هر که در جهان صلح کردم. شقیق گفت یا حاتم نکو کردی، فایده ششم بیار گفت ای استاد فایده ششم آنست که در خلق دنیا نگاه کردم و دیدم که هر قومی یکدیگر را دشمن داشتند هر کسی به سببی و غرضی که یکدیگر دارند. پس در این آیه تأمل کردم که «ان الشیطان لکم عدو فاتخذوه عدوا» پس دانستم که حق تعالی حق است و جز شیطان و اتباع وی را دشمن نمی باید داشت. پس شیطان را دشمن داشتم و او را فرمان نبردم و نبرستیدم، بلکه فرمان حق تعالی بردم و او را پرستیدم و بندگی او کردم که راه راست و صراط المستقیم این است. چنانکه خدای تعالی فرموده «الم اعهد الیک یابنی آدم ان لاتعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین وان اعبدونى هذا صراط مستقیم.»

شقیق گفت یا حاتم نیکوگفتی، فایده هفتم بیار. گفت ای استاد فایده هفتم آن است که در خلق نگاه کردم و دیدم که هر کسی در طلب قوت و معاش خود کوشش و سعیهای بلیغ مینمودند و بدین سبب در حرام و شبهت می افتادند و خود را خوار و بی مقداری داشتند. پس من در این آیه تأمل کردم که «وما من دابه فی الارض الا علی الله رزقها» پس دانستم که قرآن راست است و حق و من یکی ام از جمله دابه های (جانوران جنبنده) روی زمین. پس به خدای تعالی مشغول شدم و دانستم که روزی من برساند زیرا که ضمان کرده است. شقیق گفت نیکوگفتی، فایده هشتم بیار. گفت ای استاد فایده هشتم آنست که من در این مردم نگاه کردم و دیدم که هر کسی اعتماد به کسی و به چیزی کرده اند یکی به زر و سیم و یکی به کسب و پیشه و حرفت و یکی به مخلوقی همچون خود. پس من در این آیه تأمل کردم که و من یتوکل علی الله فهو حسبه» پس توکل به خدای تعالی کردم و هو حسبی و نعم الوکیل. (مکاتیب فارسی)

* شقیق بلخی: ابوعلی بن ابراهیم بلخی از مشایخ صوفیه که در فهم معانی آیات قرآن متبحر و در مصاحبت ابراهیم ادهم و حاتم اصم بوده است.

* حاتم اصم: ابو عبدالله بن عنوان ملقب به اصم، از مشاهیر صوفیه.

کرونا. افغانستان و جهان: آنچه در مورد کشور مالوفم می دانم آنست که تا این زمامداران و قشر فاسد و نوکر کشور های بیرونی در قدرت اند هر نوع بهبودی اوضاع خواب است و خیال، هنوز طالبان (کرام !!!) هم در راه اند، آینده مصیبت بار کرونا هم هنوز نا مکشوف و سرنوشت سیاسی و اقتصادی کشور هم تیره و تار، زیرا کرونای سیاسی، کرونای اقتصادی، کرونای طالبی و کرونای ویروسی در کمین افغانستان نشسته اند.

و یا: همین قسم که یک ویروس یک شبه جهان را در حال تغییر دادن است، یک شبه هم آفتاب سعادت در کشور افغانستان طلوع خواهد کرد و یا در محاق و جوف حفرة سیاه (بلک هول) پرتاب خواهد شد؟! ۱۵ اپریل ۲۰۲۰ /

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند:

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

Amid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 29, Issue No. 1069, APRIL 21, 2020, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel : (703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان و شاگردان

لیسه عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هر چه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسمبر ۲۰۱۹ ارسال دارند. تلفون ۴۳۵-۴۶۰۴-۵۷۱
mkqawi471@gmail.com
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge VA 22192—7075 U. S. A.

به یاد شهید وجیهه خالقی

هم اشعاری بود که احمدظاهر خواننده بود. بیاد دارم که دوسه روز قبل از اینکه به شهادت برسد آهنگ: مرگ من روزی فرا خواهد رسید! را برایم زمزمه کرد و گفت بربره مرگم فرارسیده. گفتم خدانگنه دشمنت بمیره، گفت دشمنم کمونیست ها است.

یک مطلب ماند که بعد از صنف نهم دو انتخاب رشته داشتیم یکی ساینس و یکی اجتماعیات، من به رشته ساینس و وجیهه نازنین رشته اجتماعیات را برگزیدیم. گرچه صنف های ما جدانشد اما هنگام تفریح را باهم میگذرانیدم.

رویکار آمدن کمونیست ها و ایجاد سازمان جوانان در لیسه رابعه بلخی سخت ما را آزار میداد؛ هر روز فشار و تشویق بود که باید به سازمان جوانان مکتب شامل شویم، مقاومت میکردیم و بهانه می تراشیدیم وجیهه هم از جمله شاگردان لایق و خیلی دراک، ایمان قوی داشت واقعاً به دین و عقیده اسلامی خود سخت پایند بود. بعضی اوقاتیکه صحبت های ضد رژیم کمونیستی میکردیم میگفت باش که نوبت ما کی به اخطار دادن میرسد. چون بعضی همصنفی های سازمانی داشتیم که مراقب صحبت های میبودند.

نهم ثور که تظاهرات بر علیه رژیم کمونیستی براه انداخته شد؛ یک روز پیش از طریق شب نامه ها خبر شده بودیم. مادر مرحومم مانع شد که من همانروز مکتب بروم و به تظاهرات سهم بگیرم. صبح همان روز هر قدر به مادرم گفتم همه میروند اجازه بدهد که منم بروم قبول نکرد گفت عساکر هم است و حتماً زد و خورد میشود. آواز راه پیمایان را میشنیدیم که از کوچه ما میگذشتند. ساعتی نگذشته بود که صدای فیر و پرواز های هلیکوپتر های عسکری بگوش ما رسید.

بیاد دارم آن لحظه اندوهگین را که زنگ دروازه خانه ما بصدا آمد. من و مادرم وقتی در کوچه را باز کردیم، یکی از همصنفان من و وجیهه که او هم از جمله دوست و خواهر خوانده صمیمی من و وجیهه بود و زرغونه نام داشت با گریه و فغان داخل حویلی ما شد و بکس مکتب وجیهه را که پُر از لکه های خون بود برایم داد و گریه کنان گفت وجیهه شهید شد و بر سر دستها و آغوش زرغونه، وجیهه عزیز ما جان به جان آفرین سپرده بود. وای که چه سخت و دردناک بود باور کردن این حقیقت باهم خیلی گریستیم. زرغونه میلرزید و جیغ میزد میگفت بربره دیدم که وجیهه در حین گفتن (الله اکبر) مرمی خورد و ده بغلم افتاد هیچ چیز کده نتاستم جان دادش را دیدم! وجیهه نازنین را کمونیست های بیرحم به شهادت رساندند لعنت خداوند بر هر چه کمونیستهای که بودند و هنوز زندگی نرفتاری دارند، باد.

زرغونه گفت بکس وجیهه را بخانه شان ببر. گفتم حتماً میبرم. دردناکتر از همه که تا حال مرا این موضوع آزار میدهد اینست که یکی دوساعت قبل از شهادت وجیهه یکی از خواهرانم در راه برگشت به خانه، وجیهه را دیده بود و وجیهه برایش گفته بود که بربره را بگو که به مادرم زنگ بزند که مه خوب هستم وبعد از ختم تظاهرات بخانه برمیگردم. منم به مادربزرگوار وجیهه تلفون کردم گفتم خاله جان از طرف وجیهه خاطر تان جمع باشد شکر خوب است وبعد از مظهره وقتی راه ها صاف شد خانه میآید. گفتن بچم تو مکتب نرفتی گفتم امروز نرفتم گفتن کاش وجیهه هم نرفت!

هیچ یادم نمیرود همان لحظه ایکه بخانه شان رفتم و بکس خون آلود وجیهه عزیز را بردم؛ ای وای که چی اندوهبار بود درد از دست دادن وجیهه شهید تازه جوان نازنین؛ واقعاً طاقت فرسا بود. مادر عزیزش برایم گفت تو خو احوال خاطر جمعی وجیهه را برایم دادی اما بین که وجیهه را شهید ساختن و حتی پیکرنازینش را به ما ندادند. هر قدر از خوبیها و اوصاف نیک وجیهه بگویم کم گفتم وجیهه شهید (رح) براستی یک مسلمان راستین بهشتی بود.

بعد از شهادت وجیهه رح یکبار در تلاشی هایکه خانه ما از طرف دولت شد کتابچه یادداشت های پدر مرحومم (شادروان غلام حضرت کوشان) بدست افرادی که بر تلاشی خانه ما شب آمده بودند، افتاد که در آن خواهرم امیمه جان از جگونگی شهادت وجیهه نوشته بود، بدست کمونیستان لعنتی رسید. آنان پرسیدند وجیهه را از کجا میشناسید گفتم همصنفی و

موافقتنامه ...

و امنیت افغانستان.

۱۳- دیده میشود که افغانستان به مقاومت مجبور ساخته شده است و مسؤولیت عواقب وخیم آن به دوش اضلاع متحده، پاکستان و طالب ظالم است. امید روزی قانوندانان افغانستان مثلیکه قانوندانان یهود، نازی ها را به پای محاکمه کشانیدند مسؤولین این فاجعه را نیز درهاگ به محاکمه بسپارند زیرا به باور من ملل متحد از دفاع مظلومین عاجز ماند و نوکر قوت های بزرگ شد.

۱۴- لازم است تا یک موافقت نامه متمم با در نظر داشت نکات فوق از طرف دفتر داکتر عبدالله عبدالله رئیس جمهور با رای های بیومتریک مردم افغانستان، ترتیب و ارائه گردد؛ مسؤولیتی است که باید جدی گرفته شود!

۱۵- در جریان این نوشته بودم که با دوست عزیزم پروفیسر حمید هادی به تماس آمده درباره افغانستان و امضای «موافقتنامه فریبنده» درد دل داشتیم وهم اجازه داد که گفته های وی را در پایان نوشته خود جا دهم. پروفیسر هادی به من یاد دهنی کرد که: «در نیمه دوم قرن ۱۹ سفیر انگریز و روسیه سرحد شمالی مارا به مفاد روسیه با جاهای زیبا و دیدنی آن اعطا کرد و دریای آمو را برای ما سرحد شمالی ساختند ولی امیرعبدالرحمن خموش نشست. با امضای معاهده دیورند قسمت های حیاتی سرزمین ما را امیر به هند برطانوی تسلیم کرد. از روسیه دفاع نکرد زیرا در آنجا پناه گزین بود و به انگریزها تسلیم شد چون معاشش را دوچندان ساختند و چند اسلحه برایش وعده دادند.» امروز امریکا بکومک چند «زی» «ها خیانت قویتر در حق مردم افغانستان روا داشته است؛ همه افغانستان را چون مرحله دوم معاهده دیورند به پاکستان در جریان تسلیم کردن هستند (مرحله سوم رسیدن به دریای آموست). یعنی این سلسله سلاطین و رئیس جمهورها به تمامیت ارضی اهمیت قایل نشده به مفاد شخصی خود و خوش نگهداشتن باداران خود استفاده های سوء نموده اند و مردم مظلوم افغانستان را به خاک و خون نشانده اند.....ممکن این بار با بیداری مردم، جوانان مبارز وهمه شمول قصه طور دیگر باشد. منتظریم که جبهه مقاومت تا چه حد با عقل و منطق، درایت و درک خدعه ها، و توطئه های فریبکارانه داخل و خارج مرز مقاومت داشته» افغانستان همه «را از جنگ این دزدان و فساد پیشگان نجات داده عدالت و مساوات و امنیت برقرار میسازند. و من الله التوفیق.

دوست من بود پرسیدند که آیا این نوشته خط من است امیمه صدا کرد که خط من است گفتن پس باید همراهی ما بیایی که تحقیقاتی باید بکنیم، پدر مرحومم گفت من دخترم ره تنها باشما نمیگذارم گفتن میتوانید که شما هم همراهش بروید، امیمه و پدرم را عساکر همراهی خود برای تحقیقات بردند، امیمه جان قصه کرد که در طول راه پدر عزیزم سوره های مبارک قرآن مجید را خوانده بر سر و روی امیمه کُف میکرد و برایش میگفت که عزیز پدر ترس نداشته باش وهم برایش گفته بود که اگر خواستند به تنهایی همراهی گپ بزنند و تحقیق کنند قبول نکو و بگو باید پدرم هم همراهی باشد. چند ساعتی که پدرم و امیمه را برده بودند بر سر ما بسیار سخت گذشت ولی شکر به لطف الله متعال پس از دو سه ساعت بعد از اینکه تهد نام گرفته بودند که دیگر بر ضد دولت کمونیست های ملحد چیزی ننویسد و فعالیت نکند، بخانه برگشتند.

روح همه شهدای گلگون کفن راه آزادی میهن ما به ویژه دخترها و پسر های که در آن رستاخیز بیاد ماندنی جام شهادت را با باور استوار سرکشیدند مهمان خداوند در بهشت برین باد. یادواره ها و خاطرات عزیزشان سرمشق و راهکار سایر هم میهنان به ویژه جوانان میهن جاودان باد و روسیاهی ابدی به لینن پرستان باد که باز چهره ها و نام های مستعار سیاه چرکین هیولایی که همه نوکران حلقه بگوش (کا گی بی) بودند و بازم با بی حیایی و دیده درایی نامردانه میخواهند کردار و گفتار خود را با براهین چوبین که سخت بی تمکین اند توجیه نمایند و خود را بیگناه و حق بجانب نشان داده در جامه نو دموکراسی پراز تقلب و فساد و دروغگویی زیر چتر و غلامی امپریالیزم دوباره دوران سیاه تبهکاران بی آرمز را در میهن ما بگسترانند. ۵/ اپریل ۲۰۲۰

بر یخ نوشتند... باذکر این مطلب که موافقتنامه هذا که بین نماینده امریکا و طالبان تروریست به امضاء رسیده فکرمی کنم که جنبه تطبیقی داشته باشد زیرا: الف: پروتو کول را از جانب امریکا شخصی امضاء کرده که هیچگونه مقام یا چوکی در وزارت خارجه امریکا ندارد. ب: درین متن، امریکا تعهد کرده است که تمام نیروهای خود ائتلاف از جمله پرسونل ملکی غیر دیپلماتیک پیمان کاران نظامی، آموزگاران، مشاوران و نیروهای حمایتی خود را ظرف ۱۴ ماه از افغانستان خارج کند. آیا این تعهد جامه عمل خواهد پوشید؟ مخصوصاً که آغاز تاریخ مشخص و زمان خروج هیچیک از این قوتها ذکر نشده از طرف دیگر مقامات امریکابادولت افغانستان قرارداد ستراتیژیکی و نظامی را پنجسال قبل، در زمان ریاست جمهوری بارک اوباما امضاء کرده است، که خروج نظامیان امریکاز افغانستان به موافقت هردو جانب صورت میگیرد. آیا مقامات امریکا آن قرارداد راملغی قرارداد یا یکجانبه اقدام کرده است ???

ت: در مواردی هم درین موافقتنامه کلمه (خواهد) که یک کلمه خیالیست، زیاد استعمال شده است مثلاً: (در ظرف ۱۳۵ روز سطح نیروهای امریکابه ۸۶۰۰ نفر خواهد رسید و نیروهای ائتلاف هم به همین میزان کاهش خواهند یافت. مثالهای دیگر خارج خواهند کرد، خواهد کرد، از شورای امنیت خواهند خواست، اجازه خواهد داد، میزبانی نخواهد کرد، خواهد شد)...

فکر نمی کنم این موافقتنامه و یا مشابه آن در کاهش و یا ختم زورگویی طالبان به انجامد زیرا طالبان از خود کدام قدرت و توانایی و یا اراده تصمیم گیری به آوردن صلح به افغانستان ندارند، هر تصمیمی که نظامیان و آی اس آی پاکستان بگیرد مطابق آن عمل مینمایند و این از زمان ایجاد این گروه از طرف پاکستان تاکنون به اثبات رسیده است. بنظر من بهتر بود که این پروتو کول با جانب پاکستان و آی اس آی صورت میگرفت شاید مؤثر تر میبود. از طرفی فکرمی کنم که این موافقتنامه تا بر گذاری انتخابات ریاست جمهوری امریکا بقسم (کجدار و مریز) تطبیق شود وبعد از نتیجه انتخابات چه جمهوری خواهان و چه دیموکرات ها هر کدام به پیروزی برسد کلیم این موافقتنامه جمع خواهد شد. این عجله به عقد قرارداد بین طالبان و امریکا بخاطر وعده هایست که آقای ترامپ به طرفداران جمهوری خواه خود داده وهنوز هم میدهد.

خوش بود گرمحک تجربه آید به میان تاسیه روی شود هر که دروغش باشد **برگی از خاطرات** ... پس از آن که دیگر چیزی در نزد عمله دربار باقی نماند، مداری عرض کرد که آیا کدام چیز دیگری در دسترس است؟ شاه به تمسخر گفت تنها همین شال سر و جلیقه من باقیست که جدم احمد شاه از هند با خود آورده بود، اما گمان نمی کنم که اینها در آن شاخ مفلوک بگنجد. مداری گفت اجازه بدهید که یکبار آزمایش کنم، شاه شال و جلیقه را به او داد که آن هم در شکم شاخ فرورفت. شاه که از مشاهده این امریک اندازه احساس خفت میکرد حالا با قهر و غضب به مداری گفت بس است! حالات تمام اشیا را به مالکان آن اعاده کن. مداری سرش را به شاخ نزدیک نموده کلمه حق را به صدای بلندتر از سابق بزبان آورد و بلافاصله خودش هم در داخل شاخ مفقود شد !!! شاه امر کرد که شاخ را که اکنون بزمن افتاده بود بلند کنند و داخل آنرا جستجو نمایند، هر چه کوشیدند چیزی در آن نیافتند، همان یک شاخ کهنه و فرسوده بود که در داخل آن نه هیچ یک از این اشیا وجود داشت و نه میتوانست وجود داشته باشد. شاه از شدت قهر امر کرد که شاخ را با گرز درهم شکنند و خرد و میده کنند، این کار را هم کردند اما از مداری و آنچه اموال اثری پیدا نشد وهنوز هم معلوم نیست!

رحیم الله خان در اخیر علاوه کرد که عبدالمجید خان در عصر ماعین همان شهکاری را انجام داد که مداری مذکور در عصر شاه شجاع اجرا کرده بود، لهذا کسی او را درین دیار نخواهد دید!

هر چند این پیش بینی رحیم الله خان در آن وقت مصداق پیدا نکرد زیرا عبدالمجید خان در پایان جنگ دوباره به افغانستان آمد و بسا جبه و دستار دیگر را در حلقوم شاخ کهنه فرو برد، اما در پایان کار پیش از اینکه مصائب کودتا های داؤود خان و خلقی ها به کشور وارد آید، با قسمت بزرگ سرمایه هنگفتش به خارج رفت و بانک ملی را بحیث یک شاخ میان خالی برای حریفان در میدان گذاشت!

(اداره: اگر خوانندگان عزیز امثال معاصر از شهکارهای چنین مداری ها داشته باشند، لطفا داستانش را به اداره امید برای چاپ بفرستند. اگر نمونه خواسته باشند جناب وزیر مالیه که چندی پیش خود راموقوف ساخت وظاهرا به خارج کشور تشریف برده باشند !!!) /